



راهنمای دفاع از قربانیان خشونت خانگی

پژوهشگر:

حسین رئیسی

بهمن 1393

فهرست مطالب :

پیش گفتار

مقدمه

بخش نخست: کلیات

- 1.1 دفاع از قربانیان خشونت خانگی برای بدست آوردن نتیجه همه جانبه
- 1.2 پاسخ به خشونت برای رهایی از آن
- 1.3 غیر ایمن کردن محیط خشونت برای مرتکب و دیگران
- 1.4 افزایش هزینه ارتکاب خشونت و یا تکرار آن برای مرتکب و سایرین
- 1.5 طلب عدالت برای قربانی و اجتناب از انتقام گیری
- 1.6 جبران خسارت قربانی همراه با دفاع از وی
- 1.7 ایجاد مانع برای رشد خشونت
- 1.8 ضرورت توجه حقوقی به مسئله خشونت
- 1.9 منابع حقوقی و مسئله خشونت

بخش دوم:

- 2.1 بایسته های امر دفاع و راهنمای آمادگی برای انجام آن
- 2.2 پدیدار شناسی خشونت خانگی
- 2.3 مطالعه موردی 1
- 2.4 خشونت خانگی به مثابه جرم و شبه جرم
- 2.5 مسئولیت های اجتماعی و امر دفاع
- 2.6 مسئولیت های اخلاقی در دفاع
- 2.7 مسئولیت کانون وکلای دادگستری

بخش سوم:

- 3.1 راهبردهای دفاع موثر در پرونده های خشونت خانگی

3.2 از مراجعه موکل به وکیل مدافع تا پذیرش دفاع

3.3 جمع آوری دلایل و حفظ آنها

3.4 تعامل با پلیس و مقامات قضایی

3.5 دفاع در دادگاه ها

3.6 وکیل به عنوان میانجی گر در پرونده های خشونت خانگی

3.7 اجرای حکم

نتیجه گیری

مطالعه موردی 2 پایانی

پی نوشت

"با وجود کاهش نقش خانواده به مفهوم سنتی آن در جهان کنونی و تغییر مناسبات بین اعضای آن نسبت به گذشته، توجه به افراد خانواده به عنوان انسان های تشکیل دهنده این نهاد، اهمیت خود را فارغ از نهادی به نام خانواده حفظ کرده است. این امر جایگاه ارزشی خانواده را تقلیل نمی دهد، اما به حقوق فردی اعضاء خانواده توجه ای بیش از نقش افراد به واسطه حضور در نهاد خانواده دارد." گفتمان دفاع از قربانیان خشونت خانگی گفتمان مبتنی بر برتری نظام خانواده، بر حقوق و آزادی های افراد درون خانواده نیست. (حقوق کیفری و خشونت خانگی خانه امن)

راهنمای دفاع از قربانیان خشونت خانگی

پیش گفتار:

وب سایت خانه امن از بدو تاسیس تا به حال با استفاده از نظرات وکلا، حقوق دانان و روان شناسان تلاش کرده تا موضوع خشونت خانگی و زیان های ناشی از آن را برای جامعه برجسته سازد. شناخت ابعاد مختلف خشونت های خانگی و راه های مقابله با آنها نیز همواره مورد تاکید بوده و در محتوی مطالب وب سایت استفاده شده است.

در همین راستا و متعاقب سیاست های وب سایت در نفی اشکال مختلف خشونت های خانگی با تکیه بر معیارهای حقوقی شناخته شده، در این نوشتار راهنمای بهترین دفاع در پرونده های خشونت خانگی مورد توجه قرار گرفته است.

در این نوشتار که به شکل راهنمای حقوقی برای دفاع از حقوق قانونی قربانیان خشونت خانگی طراحی شده است، ادامه رسالت و وظیفه این وب سایت مد نظر قرار گرفته است.

در این راهنمای حقوق سعی شده است تا با تکیه بر مطالعات موردی و تجربیات نگارنده از دفاع در این نوع پرونده های خشونت خانگی مطالب مفیدی پیش روی خوانندگان و علاقمندان به دفاع در این پرونده ها قرار داده شود.

بدیهی که همه مدافعین حقوق و وکلای دادگستری به استراتژی و تاکتیک های دفاع در دادرها، دادگاه ها تسلط لازم و کافی را دارند، اما آنچه این راهنما پیش رو قرار می دهد، برای برانگیختن حس دفاع به صورت اختصاصی در پرونده های خشونت خانگی است .

با اوصاف یاد شده، مسئله خشونت خانگی و راهبردهای لازم برای دفاع اختصاصی در این پرونده ها پیش روی علاقمندان قرار داده می شود.

مقدمه

وکلای مدافع یکی از ارکان های اساسی تحقق عدالت کیفری به حساب می آیند. تاثیر حضور وکیل در پرونده ها در سپهر قضایی - حقوقی کشور از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. وکیل و امر دفاع حقوقی به مفهوم امروزی آن یکی از دست آوردهای جهان متمدن و مدرن است. این دست آورد بر بستری از اصول حقوق بشر و حقوق بنیادین استوار است و معمولا در قوانین اساسی کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در قانون اساسی ایران نیز در اصل 35 بر این موضوع تاکید شده است. در این اصل چنین مقرر شده:

"در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد".

دست یابی به این حق مستلزم همراهی وکلای دادگستری است. البته روشن است که شغل وکالت دادگستری از جمله یکی از مشاغل آزاد در ایران محسوب می شود. با وجود آزادی این شغل، مقررات مهم داخلی و حقوق بشری بر آن حکومت دارند. همه مقررات ناظر بر این شغل در مسیر تامین حق دسترسی مردم به عدالت و تسهیل فعالیت وکلای دادگستری است .

بر اساس سیستم حقوقی ایران اصحاب دعوی در همه پرونده ها کنش گران اصلی دعوی محسوب می شوند. در همه پرونده ها دو طرف برای تامین عدالت، رسیدن به حق و یا حفظ یک حق یا موقعیت مبارزه می کنند. در پرونده های کیفری نقش کنش گران دخیل در موضوع با پرونده های حقوقی تفاوت دارد.

چگونگی تعیین استراتژی دفاع شایسته در پرونده های خشونت خانگی و به کارگیری راهبردهای موثر در تحقق آن یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. استراتژی در پرونده های مورد نظر بر عوامل مختلفی استوار است. ماهیت و شکل عمل در پرونده های مختلف متفاوت است. اما جهات مشترک هر یک از آنها می تواند در ارائه طرح کلی و راهنمایی مبتنی بر استانداردهای موجود موثر باشد .

بخش نخست: کلیات

1.1 - دفاع از قربانیان خشونت خانگی برای بدست آوردن نتیجه همه جانبه

سراغاز هر پرونده تشخیص درست نوع آن و انتخاب شیوه اقدام قانونی است. در پرونده های خشونت خانگی بیشتر موارد و یا بهتر بگوییم عمده پرونده ها کیفری هستند، هر چند بحث های مطالبه خسارت، در مواردی حق حضانت از کودک،

سرپرستی، هزینه زندگی، نفقه، طلاق، مطالبه مهریه و سایر حقوق می توانند در یک پرونده خشونت نیز مطرح و رسیدگی به آنها نیز در رفع خشونت موثر باشند. اما آنچه موضوع سخن ما در این نوشتار است بیشتر ناظر به پرونده های کیفری است، در عین حال موارد مورد اشاره در امور مدنی و خانوادگی را از نظر دور نخواهیم داشت .

استراتژی و راهبرد اجرای آن در این نوشتار بر اساس تجربه بیست سال فعالیت در دادگاه های مختلف تدوین شده است. سعی شده به زبانی گویا راهنمای اقدام در همه بخش های خشونت خانگی و دفاع موثر در این پرونده ها برای تامین عدالت، رفع خشونت و مهمتر اینکه ممانعت از تکرار آن پیش روی علاقمندان، همکاران وکیل و فعالان مدنی در این عرصه قرار گیرد.

اقدام قانونی و قضایی برای بسیاری از افراد یا خانواده ها سخت به نظر می رسد، اما علی رغم سختی آن ضمن توجه به همه ابعاد خشونت می توان اقدامات حقوقی و قضایی در این رابطه را بر اساس راهبری موفق دنبال کرد. از جمله بر اساس دلایل زیر این اقدام مهم است:

1.2- پاسخ به خشونت برای رهایی از آن

هر پرونده خشونت خانگی یک بحران را نشان می دهد. از همان لحظات نخست اعلام جرم باید فرایند واکنش، تثبیت و پیش گیری در مورد هر قربانی صورت گیرد. بدون شکایت فوری بعد از خشونت در کمترین زمان ممکن واکنش مناسب و مفید ممکن نخواهد بود. هر خشونت یک بحران است، و مانند یک بحران باید شناخته و مدیریت شود. قربانی به تنهایی قادر نیست این بحران را بررسی و مدیریت کند، پلیس و دستگاه قضایی می توانند با واکنش سریع در قبال خشونت به اداره بحران کمک کنند.

در بسیاری از خشونت ها قربانی نه تنها به کمک پلیس و دستگاه قضایی نیاز دارد بلکه به سبب شرایط روحی سختی که بعد از آن حاکم می شود. مساعدت مددکاران اجتماعی، خدمات روان شناسی و راهنمایی یک وکیل آگاه در تثبیت شرایط زندگی قربانی موثر است. برخی از خدمات مددکاری با درخواست دادستان و یا بازپرس ممکن است، مثلا نگهداری دختران و یا زنان در خوابگاه های بهزیستی به دستور دادستان یا معاون او نیاز دارد و سایر خدمات مددکاری نیز از این طریق در دسترس قربانی قرار خواهد گرفت. اما مهمترین خدمتی که در این خصوص روی می دهد، حمایت وکیل از قربانی است. وکیل می تواند به نمایندگی از او در جلسات مختلف مشارکت کند، با آگاهی حقوقی و درک شرایط به دفاع از وی بپردازد.

1.3 - غیر ایمن کردن محیط خشونت برای مرتکب و دیگران

فرض کنید خانمی همواره مورد آزار همسرش است، و یا انسان معلولی در محله ای که زندگی می کند، مورد تمسخر کودکان آن محل قرار می گیرد، چگونه باید این نوع خشونت ها را فقط برای یک بار درباره هر شخصی دید، و مانع آن شد تا دوباره این موضوع تکرار نشود؟ درباره هریک از این سه مورد و یا موردی که بیان خواهد شد، استراتژی های مخصوص به خود، برای اجرای عدالت و بازدارندگی از تکرار آن جواب خواهد داد .

ضرورت دفاع از قربانیان می تواند تا حدود زیادی مانع تکرار خشونت شود. قربانیان خشونت خانگی همواره در معرض خشونت های بعدی و تکرار خشونت هستند. به طور مثال کودکانی که در یک محله به خصوص، مورد آزار جنسی قرار می گیرند در صورت عدم واکنش مناسب به این رفتار پر خطر ممکن است، مرتکب را تشویق به ارتکاب مجدد عمل کند و دوباره سراغ او برود و یا اینکه با تعریف و بیان کار خود دیگران را در همان محدوده زندگی کودک تشویق به سوء استفاده و آزار وی کند. درک صحیح موضوع و کشف این خشونت و کشیدن آن به داوری، میانجی گری، قضاوت، دادگاه ها می تواند در دیگران بازدارنده باشد. در صورت طرح شکایت و شروع تعقیب قضایی قربانی در قبال خشونت دیگران و مرتکب اولیه به صورت مستقیم مصون می شود، و همچنین مصونیت کلان تر نیز برای سایر قربانیان احتمالی با اطلاع مجرمین بالقوه تا حدود زیادی محقق می شود.

1.4 - افزایش هزینه ارتکاب خشونت و یا تکرار آن برای مرتکب و سایرین

دفاع از قربانی خشونت و طرح موضوع در مراجع قانون و یا حتی عدم سکوت در برابر آن ولو به قصد داروی اطرافیان و یا کمک دیگران محیط خشونت را غیر ایمن می سازد. از این رو شکایت کیفری از مرتکب خشونت و طرح موضوع ولو بنا به هر دلیل به نتیجه نهایی و مطلوب منجر نگردد، مرتکب را در معرض یک پرسش سخت قرار خواهد داد که این مسیر ایمن نیست و اگر او مجازات شود، بازدارندگی معمولی در مجازات نسبت به او نهفته است، اما اگر مجازات مناسب نشود او را تحت فشارهای درونی قرار خواهد داد. برای بسیاری از مرتکبین جرایم توأم با خشونت، به خصوص در آزارهای جنسی برملا شدن موضوع آثار سختی به همراه دارد. آزارهای جنسی که توسط اطرافیان قربانی صورت می گیرد، با طرح شکایت یا آشکار شدن آن اثر مهمی در بازدارندگی دارد و به همین نسبت سکوت قربانی تکرار آزارهای جنسی را معمولاً به همراه دارد. و اقدام به بیان خشونت و طرح شکایت محیط ایمن ارتکاب خشونت برای مرتکب آن را نا امن می سازد .

مرتکب خشونت اگر در درون خانه باشد و یا در محل کار و یا محله با فشار افکار عمومی روبرو شود و موقعیت خود را از دست خواهد داد. نگاه جامع به همه ابعاد موضوع می تواند به کنترل بیشتر خشونت منجر گردد.

1.5 - طلب عدالت برای قربانی و اجتناب از انتقام گیری

با دفاع از حقوق قربانی و در خواست اجرای عدالت در حق وی می توان امید داشت تا تمایل به استفاده از خشونت برای مقابله با خشونت کاهش یابد. اقدام قانونی و قضایی راهی است برای تامین عدالت. امکان تحقق عدالت به صورت شخصی ممکن نیست، تنها با مکانیسم حقوقی و قضایی امکان بررسی یک آسیب و مجازات متخلف و اجرای عدالت وجود دارد، این اقدام مانع اقدامات خود سرانه و شخصی و یا سکوت و تحمل خشونت خواهد شد. هر چند در اجرای عدالت کاستی هایی قطعاً در سیستم دادرسی و پلیس وجود دارد، اما سکوت و یا اقدام شخصی آسیب های بیشتری را دامن خواهد زد .

1.6 - جبران خسارت قربانی همراه با دفاع از وی

در ساختار نظام حقوقی ایران در کنار تمام پرونده های کیفری امکان مطالبه خسارت و یا ضرر و زیان ناشی از جرم نیز وجود دارد. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز امکان مطالبه خسارات معنوی نیز مزرع شده است. در ماده چهارده این قانون آمده است. امکان مطالبه انواع خسارات را فراهم ساخته است. بدون طرح شکایت امکان مطالبه خسارت مقدور نیست، خسارت معنوی و حیثیتی نیز در این قانون مورد توجه قرار گرفته است .

ماده 14- شاکي مي تواند جبران تمام ضرر و زیان هاي مادي و معنوي و منافع ممكن الحصول ناشي از جرم را مطالبه کند.

تبصره 1- زیان معنوي عبارت از صدمات روحي يا هتک حیثیت و اعتبار شخصي، خانوادگي يا اجتماعي است. دادگاه مي تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالي، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهي و درج حکم در جرايد و امثال آن حکم نماید.

تبصره 2- منافع ممكن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف کند. همچنین مقررات مربوط به منافع ممكن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل تعزیرات منصوص شرعی و مواردی که دیه پرداخت می گردد، نمی شود. [1]

این امکان می تواند در بسیاری موارد از یک طرف هزینه ارتکاب جرم را برای مرتکب و یا مرتکبین افزایش دهد و از طرفی دیگر بخش هایی از زیان قابل جبران قربانی از این طریق جبران خواهد شد .

1.7 - ایجاد مانع برای رشد خشونت

اقدام به موقع و دفاع از حقوق قربانی می تواند مانعی برای رشد خشونت محسوب شود، بدین منظور که خشونت های کوچک اگر مهار نشوند، امکان تبدیل به خشونت برتر و بزرگ تر وجود دارد. شکایت از خشونت گر و آشکار ساختن رفتار ظالمانه او مانع تسلط خشونت گر بر قربانی خواهد شد. اغلب خشونت ها باهدف تسلط بر قربانی صورت می گیرد، طرح آن مانع تسلط یا مانع تحقق یافتگی خشونت در مقیاس بیشتر خواهد شد.

در فرض شکایت و اعلام گذشت با جنبه عمومی جرم ممکن است مرتکب گرفتار زندان و مجازات شود به فرض اعلام رضایت و عدم مجازات، او با یک پرونده با مدارک مشخص در فضایی قابل دسترس برای هر دو طرف و در اختیار دادگاه است و حداقل تا ده سال نیز باقی می ماند، بایگانی و نگهداری می شود. برای آینده و اثبات خشونت های احتمالی بعدی موثر است.

با بیان خشونت و علنی ساختن آن از طریق طرح شکایت از مرتکب خشونت به چرخه خشونت آسیب وارد می شود. این اقدام نه تنها قربانی را مصون می سازد، چه بسا مرتکب نسبت به دیگران نیز همین رفتار را داشته است، مثلا در آزارهای جنسی کودکان معمولا مرتکب سراغ کودکان متعدد می رود. دفاع از حقوق قربانی می تواند به اساس چرخه خشونت لطمه جدی وارد سازد. همچنین در حین طرح این موضوع و دفاع از قربانی ممکن است، سایر خشونت های مرتکب نسبت به سایرین نیز آشکار شود.

اگر خشونت گر یا مرتکب خشونت دچار اختلال روانی و یا شخصیتی باشد که نیاز به درمان دارد با شکایت قربانی ممکن است او و یا اطرافیان و یا حتی مقام قضایی یا پلیس به این موضوع واقف شوند و مبادرت به درمان کنند .

در دفاع از حقوق زنان در زمانی که قربانی خشونت همسرشان می شوند، می تواند موجبات شرایط حقوقی جدید را فراهم سازد.

حق طلاق و یا بهرماندی از همه حقوق و حق حضانت همیشگی کودک از طریق شکایت از همسر خشونت گر فراهم خواهد شد. چون طلاق در صورت عسر و حرج زن و عدم امکان تحمل زندگی موجود به درخواست زن ممکن است، اثبات خشونت می تواند سوء معاشرت مرد را روشن ساخته و از این طریق امکان اثبات عسر و حرج را تسهیل و ممکن سازد، و همچنین امکان استفاده از شروط ضمن عقد در صورت امضاء شوهر در زمان عقد برای طلاق را میسر کند.

در صورت جدایی نیز چنانچه پای کودک یا کودکانی در میان باشد پرونده خشونت مهمترین دلیل اثبات بی کفایتی مرد از سرپرستی کودک و یا کودکان خواهد بود.

در مسیر دفاع از حقوق قربانی خشونت او نباید نگران آشکار شدن اسرار خود باشد. مقامات قضایی و پلیس و وکیل موظف به حفظ اسرار قربانی هستند. تحقیقات در اداره پلیس و دادسرا محرمانه می ماند و دادگاه نیز با درخواست قربانی به صورت غیر علنی برگزار می شود.

در هنگام دفاع باید مراقب بود تا امکان نزدیک شدن خشونت گر از محیط زندگی قربانی از بین برود تا زمانی که احتمال تکرار خشونت وجود دارد، اگر طرفین همسر و یا والدین و فرزند هستند، در صورتی که امکان تکرار خشونت درباره آنها نیز می رود، اجازه حضور مرتکب در محیطی که قربانی قرار دارد داده نشود. دور ساختن قانونی خشونت گر از فضای فیزیکی نزدیک محل سکونت قربانی، با رواج مجازات های تکمیلی در قانون جدید مجازات اسلامی، می توان از دادگاه درخواست کرد تا مرتکب خشونت به صورت موقت یا دائم از تماس با قربانی و یا هر نوع نزدیکی به محل زندگی او منع شود .

خشونت نسبت به افراد به واسطه جنس متفاوت مانند آنچه خشونت برادر نسبت به خواهر، پدر نسبت به دختر و یا شوهر نسبت به زن معمول است، از جمله خشونت های خانگی هستند که خشونت بر مبنای جنسیت شناخته می شوند.[2] یکی از مولفه های مهم و برجسته با دامنه ای وسیع در عرصه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی ایران است، به دلیل اهمیت ساختاری این نوع خشونت و تاثیر مستقیم آن بر روند تربیتی نسل های آینده و سهم روز افزون آن در باز تولید خشونت، و فراهم کردن بستر تبعیض در جامعه بر اساس تفاوت جنسیتی، به صورت مستقل مورد بررسی قرار می دهیم. بررسی این موضوع به معنی نادیده انگاشتن سهم خشونت در تولید تبعیض در سایر عرصه های اجتماعی نیست.

مدافع حقوق قربانیان در خشونت های خانگی می تواند به ارتقاء حقوق در این حوزه کمک کند. نقد قوانین و ساختار حقوقی موجود این امکان را فراهم می کند تا در حین بررسی این نوع پرونده ها به ابعاد حقوقی حاکم بر چنین مواردی نیز پرداخته شود. یکی از عرصه هایی که نقش مهمی در زدودن و در عین حال افزایش خشونت در جامعه را دارد، ساختار و نظام

حقوقی حاکم بر جامعه است. در ساختار حقوقی اگر برخورد مناسب با خشونت به عمل نیاید به بازآفرینی آن کمک خواهد کرد. قربانی و بزهکار در فرایند رسیدگی قضایی نیازمند هستند تا دیده شوند، به همه ابعاد خشونت نسبت به آنها توجه حقوقی شود، از بزهکار یک جنایتکار خشونت پیشه ساخته نشود، محیطی امن برای زندگی سالم و محیطی نا امن برای خشونت ورزها در فرایند ریشه کنی خشونت ایجاد کند.

در دفاع از قربانیان نظام پاسخ دهی و پیشگیری در حوزه های حقوقی، اجتماعی و سیاسی مورد نقد و بازبینی قرار می گیرند، سهم سیاست های اجتماعی، فرهنگی و حقوقی در قالب های پیشگیری اجتماعی از وقوع خشونت بسیار مهم هستند. یکی از دیدگاه های مهم نزد علماء جرم شناسی این است که انسان مجرم ذاتا کنش مجرمانه و خشونت بار ندارد، بلکه در بستر محیط و جامعه، در جریان جامعه پذیر و اجتماعی شدن تغییر می کند، این جرم شناسان انسان را محصول تعامل خصوصیات ذاتی و اجتماعی فرد می دانند، بنابراین بزهکار کسی است که در دوران رشد جسمانی و روانی خود در بستر های خانواده، اجتماع، مدرسه، اشتغال، اوقات فراغت قربانی یک سلسه بی توجهی ها، کمبودها و محرومیت های مادی، معنوی و عاطفی شده است، کافی است با مبارزه علیه چنین عللی و رفع آنها، از ارتکاب جرم به عنوان معلول پیشگیری کرد. [3] بنابراین در زمان دفاع باید نسبت به ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی که در تولید انواع خشونت و نفی آنها از جامعه، نقش بسیار مهمی دارند بی تفاوت نبود.

خشونت شناخته شده از منظر حقوقی به رفتاری اطلاق می شود که علیه تمامیت فردی و اجتماعی به اشکال گوناگون صورت می گیرد، و بسیاری از آنها نقض حقوق کیفری محسوب می شوند، و در نظام حقوقی ایران با اندکی اغماض می توان انواع مختلف خشونت ها را شناخت. از جمله خشونت های اقتصادی [4] خشونت های روانی و غیر فیزیکی [5] و انواع سوء رفتارهایی که ممکن است نمود بیرونی و ظاهری نداشته باشند. این خشونت ها علاوه بر خشونت هایی هستند که ظاهر و یا بهتر بگوییم تمامیت جسمانی قربانی را هدف قرار می دهند. دفاع از همه این موارد با در نظر داشتن ریشه های آنها، باید به نفی کامل آنها منجر گردد. از این رو تنها به دیدن یک پرونده با دو نفر که طرفین آن هستند نباید بسنده کرد.

1.8- ضرورت توجه حقوقی به مسئله خشونت

همه ابعاد خشونت و به طور مشخص خشونت علیه زنان دارای ماهیت چند بعدی است و باید از زوایای گوناگون بررسی شوند. با توجه به اینکه تقریباً نیمی از جمعیت انسانی را زنان تشکیل می دهند، خشونت های مبتنی بر جنسیت آنها را در شرایط نابرابر قرار داده و خشونت، جسم، روح و روان آنها را تحت تاثیر قرار می دهد، و در مواردی نابود می کند و آنها را در شرایط نابرابر جسمی در مقابل هم نوعان خود قرار می دهد. تداوم و استمرار این شرایط به تولید خشونت منجر شده و مانع جدی رشد و شکوفایی انسانی قربانی محسوب می شود. تلاش برای نفی هر نوع تبعیض، نابرابری و خشونت بدون توجه جدی حقوقی امکان پذیر نیست.

در ابعاد مختلف حقوقی، دولت، قانون گذاران، پلیس، قضات، وکلای دادگستری، سازمان زندان ها، مدیران جامعه، انجمن های غیر دولتی و سازمان های بین المللی باید نسبت به این پدیده حساس باشند. تلاش های بسیار زیادی برای نفی کامل اشکال مختلف خشونت لازم است. همراهی، هماهنگی بین المللی در برخی موارد مانند رهنمودهای لازم در نفی خشونت

خانگی، توسعه برنامه آموزشی، توصیه به قانونگذاری های ضروری و به خصوص در همه اشکال تبعیض، برای مبارزه جدی با پدیده خشونت همراه با ایجاد خواست و مطالبه مدنی خشونت پرهیز در داخل جهت فروکاستن درد و رنج قربانان و جستجوی عدالت برای آنها ضروری است.

اگر چه ایران در حمایت از زنان در زمینه بهداشت و سلامت جسمی زنان و مسئله بارداری و مرگ و میر مادران در اثر زایمان موفق نشان می دهد، اما از رفتار مبتنی بر رفع همه اشکال تبعیض نسبت به زنان در ساختار حقوقی خود حمایت لازم را نمی کند، و در پاره ای موارد قوانین و شرایط موجود در جامعه به افزایش خشونت دامن می زنند. برای نشان دادن اینکه در جامعه ایران چگونه با این پدیده برخورد می شود، و مسیر قانونگذاری و حمایت های شایسته حقوقی به چه شیوه ای اعمال می شوند، لازم است برخی از مقررات قانونی و از جمله قانون اساسی، قانون مدنی، مقررات کیفری، ضوابط موجود در ساختار حقوق اجتماعی و قانون حمایت خانواده ایران که اخیراً تصویب شده و از تاریخ دهم اردیبهشت ماه 1392 برابر با 30 اپریل 2013 لازم الاجرا شده است، مورد بررسی قرار گیرد.

قانون اساسی و برخی قوانین عادی در جمهوری اسلامی ایران نه تنها در نفی خشونت سهم مهمی ندارند، بلکه سبب ایجاد فرهنگ خشونت شده اند.

1.9 - منابع حقوقی و مسئله خشونت

در مقام دفاع از خشونت های خانگی توجه به قوانین و منابع حقوقی آنها می توانند امر دفاع را تسهیل کنند، گاهی این ساختار ها امر دفاع را ساده و گاهی بسیار مشکل می کنند .

آمیختگی قوانین شرع با قوانین عرفی نقطه آغازین مشکل دفاع در پرونده های خشونت خانگی در ساختار حقوقی جامعه است. از آنجا که تمام قوانین عادی در کشورها از منابع قانون گذاری مثل قانون اساسی تبعیت می کنند، و در ایران نیز این اصل در قانون اساسی تاکید شده است، ضرورت دارد تا به منابع قوانین توجه کنیم.

یکی از مشکلات جدی در امر دفاع در ساختار قوانین است. اگر به قانون اساسی ایران نگاه شود، ساختاری به وسیله این قانون ارائه می شود که همه قوانین ایران را بر مبنای مقررات اسلامی شیعی می داند، این موضوع در اصل چهارم آن به روشنی آمده است، سایر اصول قانون اساسی نیز اداره جامعه را بر مبنای موازین اسلامی می دانند، حتی در جایی که در اصول 19 و 20 به برابری انسان ها در مقابل قانون می پردازد، و زنان و مردان را یکسان در حمایت قانون فرض می کند، در انتها همه موارد را مشروط به رعایت موازین اسلامی دانسته است. [6]

جزم اندیشی اسلامی، عدم توجه به پیشرفت های بشری در قوانین سنتی اسلامی و تنیده گی موضوع در فرهنگ، اجتماع و سیاست راه را برای نفی اشکال خشونت و دفاع همه جانبه از قربانیان و طلب عدالت برای آنها سخت ناهموار ساخته است.

به طور کلی در هیچ جایی از قانون اساسی نمی توان موضوع زنان و یا آزادی و برابری را یافت که با شرط رعایت مقررات اسلامی همراه نباشد. این موضوع به خصوص درباره مسائلی که مقررات اسلامی درباره آنها احکام و آیین مشخص دارد، بیشتر از سایر موارد نمایان است. به طور مثال اسلام قانونی برای بیمه ندارد، اما برای ازدواج و طلاق و روابط

زناشویی مقررات خاص خود دارد. بنابراین درباره زنان و موضوعات ناشی از جنسیت نیز مانند سایر مذاهب و ادیان قوانین خاص خود را دارد، به نحوی که گاهی خشونت جنبه الهیاتی پیدا می کند.

قانون اساسی ایران بدون توجه به همه پیامدهای اجرایی، همراه با تبعیض، نابرابری و خشونت آمیز تاکید بر اجرای همه مقررات شرعی دارد. همه قوانین عادی نیز بر این مبنا بر اساس برداشت شرعی تدوین شده اند. در نتیجه این تاکید ساختار اجرایی بدست داده و شرایطی فراهم کرده است که در موارد زیادی حاوی فرهنگ خشونت علیه زنان شده است، این اتفاق امر دفاع را در مسیر نادرست و به دور از استانداردهای عدالت قرار می دهد .

مثلا ممکن است مردی با استناد به قرآن بگوید اجازه داشته است تا همسرش را کتک بزند، یا اینکه همسرش را از رفتن به محیط کار باز دارد! در مقام دفاع از قربانی این رفتارها با دوگانه شرع و قانون و بعضا در آمیختگی آنها روبرو می شویم .

بنابراین با توجه به اینکه عمده منابع فعلی حقوق ایران شریعت اسلام و قانون اساسی است، این دو نیز به برداشت ایئولوژیک منجر شده است. باید به توان نقد جدی بر آن بخش از مقررات فقهی که خشونت را تسهیل می کند وارد ساخت.

نظام اجتماعی ایران در حال نوین شدن است و با شرایط موجود توفیقی در نفی اشکال مختلف خشونت از عرصه های مختلف حاصل نخواهد کرد. چنانچه علی رغم وجود مجازات شدید برای جنایاتی مانند "اسید پاشی" یا "زنا با محارم" و "تجاوز به عنف" شاهد کاهش و ریشه کنی این جرایم نیستیم. به دلیل اینکه این جرایم محصول خشونت های ریز و درشتی است که در عرصه جامعه به دلیل عدم جامعیت قوانین، نداشتن راهبرد مناسب برای دفاع از قربانیان، طلب، تحقق عدالت برای آنها و نفی اشکال خشونت بوجود می آیند. ضعف و نبود امکان دفاع مناسب در این موارد زمانی آشکار می شوند که خشونت های کوچک مهار نشده با خود آسیبی سنگین تر مثل اسید پاشی، تجاوز به محارم، کودک آزاری های شدید، در جامعه هموار می سازد. از این نظر، امر دفاع نمی تواند به امور خرد و خشونت های به اصطلاح ناچیز در درون خانه ها و اجتماع بی تفاوت باشد.

منابع موجود قانون گذاری در ایران به علل ایجاد کننده خشونت توجه ندارند و صرفا به سرکوب و نابودی بخش ناچیزی از چرخه تولید خشونت می نگرند، از این رو ساختار نامناسبی برای مبارزه با اشکال خشونت شکل گرفته است. تحلیل این امر در دفاع می تواند راه را برای تغییر این رویکرد مبتنی بر سرکوب فراهم کند.

علی رغم اینکه قوانین موضوعه در ایران حمایت موثری از قربانی خشونت انجام نمی دهند، در برخی موارد بصورت سنتی به سرکوب می پردازد. مثلا در قانون حمایت خانواده جدید در حالی که انتظار می رفت حاوی خشونت کمتر و حمایت بیشتر باشد، در ماده 50 موضوع ازدواج زیر سن بلوغ را مطلقا ممنوع نمی کند و با شرایطی که در تبصره ماده 1041 قانون مدنی آمده است؛ برای دختران خرد سال ازدواج بوسیله اجازه پدر را مجاز می شمارد، این قانون بدون تردید به گسترش خشونت کمک خواهد کرد.[7] اما در دفاع از حقوق قربانیان این قبیل آسیب ها می توانند موضوع لزوم رعایت مصلحت کودک را به چالش کشیده و به استناد ماده سه کنوانسیون حقوق کودک و ماده 45 قانون حمایت خانواده که در هر

دو رعایت مصالح و منافع عالیله کودک ضروری دانسته شده است، مانع انجام چنین ازدواج هایی که جزء خشونت هیچ فرآورده ای ندارد شد.

در پایان باید اشاره کنم که خشونت در یک فرایند طولانی و بنیادی ایجاد می گردد و با همان فرایند دقیق و همه جانبه حقوقی و اجتماعی و فرهنگی می توان به مقابله و ریشه کنی آن از طریق دفاع مناسب از قربانی پرداخت .

بخش دوم:

2.1 - بایسته های امر دفاع و راهنمای آمادگی برای انجام آن

دفاع وکلای دادگستری و کلینیک های حقوقی در مقام ارائه مشاوره حقوقی، جمع آوری، تامین ادله لازم برای حمایت از قربانیان و ارائه دفاع از همان لحظه ارتباط موکل با آنها آغاز می شود. این ارتباط ممکن است به وسیله تلفن، یا پیام کوتاه، ایمیل، از طریق شبکه های اجتماعی باشد، تا مراجعه حضوری. همه اقدامات و راهنمایی ها وکیل به منزله دفاع از حقوق موکل است، اما دفاع به معنی اخص آن فقط نزد پلیس، در دادسرا، دادگاه و در حضور قاضی است .

برای ارائه دفاع به معنی اخص که موثرترین و مهمترین بخش از مجموعه فعالیت های دفاعی است، اقدامات اولیه ای نیاز است، در این بخش به ضروریات و بایسته های پیش از دفاع به عنوان راهنمای آمادگی برای ارائه آن خواهیم پرداخت .

لازم به یادآوری است که بخش هایی از استراتژی و راهبرد های دفاع مبتنی بر سلیقه افراد است، آنچه موضوع بحث خواهد بود، به هیچ وجه در صدد نفی سلیقه های شخصی مدافعین نیست، اما واضح است که، زمانی سلیقه موثرند که در چارچوب اصول و استانداردهای قانونی و اخلاقی باشند. دفاع در پرونده های خشونت خانگی با دفاع در سایر پرونده های حاوی خشونت تفاوت هایی دارد، و در جامعه ویژگی هایی با خود همراه می سازد به نحوی که بدون توجه به این تفاوت ها و ویژگی ها امکان دفاع بهتر را بدست نخواهیم آورد. از این نظر در ادامه حداقل هایی از آنچه ضرورت دارد مطلع باشیم مورد توجه قرار می دهیم.

2.2 - پدیدار شناسی خشونت خانگی

خشونت خانگی معمولاً یک کنش قانون شکنانه را در خود خواهد داشت. ممکن است این کنش ها پیامد کیفری و غیر کیفری داشته باشند. **در اینجا تلاش خواهیم کرد تا کنش و واکنش های متعارف در پرونده های خشونت خانگی پیش رو را داشته باشیم و در اثر این اتفاق راهنمای شیوه دفاع در این پرونده ها را ترسیم کنیم .**

برای احقاق حق و نظارت بر حقوق مردم در مقابل دست اندازی های مختلف دفاع در هر مورد و هر پرونده ای همواره شرایط ویژه خود را می طلبد. خشونت های خانگی یکی از موارد مهم نقض قوانین کیفری است.

در حوزه حقوق کیفری با معیارهای عدالت کیفری چه از نظر شکلی و چه از دیدگاه ماهوی باید با دقت ویژه به این موضوعات پرداخت و دفاع از آنها را عهده دار شد. قبول دفاع در این موارد بدون شناخت خشونت خانگی و داشتن حساسیت لازم در مقابل آن اگر چه غیر ممکن نیست، اما به دفاع مطلوب منجر نخواهد شد. طبیعی است که انتظار موکل

از وکیل مدافع و یا مشاور ارائه بهترین راه حل ها و انتخاب بهترین روش دفاعی است. مثلا حساسیت نسبت به مقوله خشونت خانگی از مواردی است که امر دفاع را به شیوه مهمتر و اطمینان بخشی به پیش خواهد برد.

برخورد ساختاری با خشونت یکی از هدف های مهم فلاسفه خشونت پرهیز است، دکتر رامین جهان بگلو به عنوان یکی از چهره های علمی فلسفی این حوزه معتقد است، خشونت در جامعه ای نظیر ایران به تدریج در طول تاریخ به فرهنگ تبدیل شده است، و جامعه ایران را خشن نمی داند، بلکه چگونگی روبرو شدن با خشونت در تاریخ معاصر ایران را با اهمیت می داند. او بیرون کردن فرهنگ خشونت از عرصه عمومی در ایران را موضوعی اساسی بیان می کند، به عقیده وی لازم است تا فرهنگ خشونت پرهیزی را در میان مردم ایران ترغیب و ترویج کنیم و مشروعیت ارزش های قهرآمیز فرهنگ خشونت را در میان شهروندان از بین ببریم. [8]

نگارنده به عنوان کسی که سال ها در دادگاه های مختلف انواع خشونت های خانگی و قربانیان و جانپان این روی دادهای تلخ را دیده ام و با پرونده های آنها درگیر بوده ام و از تحقیر، خشونت های کلامی، قاچاق زنان تا قتل زنان، فرار زنان و دختران از خانه، ازدواج های اجباری، سقط جنین اجباری، حامگی اجباری و فحشای اجباری را در پرونده های دادگستری ایران تجربه کرده ام، باید بگویم که اگر چه جامعه ایران خشن نیست، اما امروز انواع مختلف این خشونت ها را در خود دارد. راه های دفاع در مقابل آنها می تواند به رفع خشونت های موجود کمک موثری داشته باشد.

خشونت بر مبنای جنسیت و از جمله خشونت های خانگی یکی از مولفه های مهم و برجسته با دامنه ای وسیع در عرصه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی ایران است، به دلیل اهمیت ساختاری این نوع خشونت ها و تاثیر مستقیم آنها بر روند تربیتی نسل های آیند و سهم روز افزون آن در باز تولید خشونت، و فراهم کردن بستر تبعیض در جامعه بر اساس تفاوت جنسیتی، دفاع از قربانیان خشونت نیز مستلزم شناخت آن و ابعاد مختلفش است.

یکی از عرصه هایی که نقش مهمی در زدودن و در عین حال افزایش خشونت در جامعه دارد، ساختار و نظام حقوقی حاکم بر جامعه است. در ساختار حقوقی اگر برخورد مناسب با خشونت به عمل نیاید به باز آفرینی آن کمک خواهد کرد. قربانی و بزهکار در فرایند رسیدگی قضایی نیازمند هستند تا دیده شوند، به همه ابعاد خشونت نسبت به آنها توجه حقوقی شود، از بزهکار یک جنایتکار خشونت پیشه ساخته نشود، محیطی امن برای زندگی سالم و محیطی نا امن برای خشونت در فرایند ریشه کنی آن ایجاد شود. بدین معنی که هدف از زدودن خشونت نفی بنیادین آن باشد، در فرایند دفاع نیز تا حدودی می توان چنین که بیان شد به مقوله خشونت و دفاع از حقوق قربانی توجه کرد.

سهم سیاست های اجتماعی، فرهنگی و حقوقی در قالب های پیشگیری اجتماعی از وقوع خشونت بسیار مهم هستند. یکی از دیدگاه های مهم نزد علمای جرم شناسی این است که انسان مجرم ذاتا کنش مجرمانه و خشونت بار ندارد، بلکه در بستر محیط و جامعه، در جریان جامعه پذیر و اجتماعی شدن تغییر می کند، این جرم شناسان انسان را محصول تعامل خصوصیات ذاتی و اجتماعی فرد می دانند، بنابراین بزهکار کسی است که در دوران رشد جسمانی و روانی خود در بستر های خانواده، اجتماع، مدرسه، اشتغال، اوقات فراغت و ... قربانی یک سلسه بی توجهی ها، کمبودها و محرومیت های مادی، معنوی و عاطفی شده، کافی است با مبارزه علیه چنین عللی و رفع آنها، از ارتکاب جرم به عنوان معلول پیشگیری کرد. [9] بنابراین

ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی در تولید انواع خشونت و نفی آنها از جامعه، نقش بسیار مهمی است. وکیل مدافع می بایست این ساختارها را بشناسد.

بدیهی است که مقابله با همه این ابعاد در دفاع ممکن نیست، اما شناخت آنها در ارائه دفاع بهتر و نفی خشونت موثر خواهد بود.

همه آنچه به عنوان خشونت شناخته شده به رفتاری اطلاق می شود که علیه منافع فردی و اجتماعی به اشکال گوناگون صورت می گیرد، و بسیاری از آنها جرم شناخته می شوند، و در نظام حقوقی ایران عمدتاً آن دسته از خشونت هایی که آسیب ظاهری ایجاد می کنند، تعریف شده و در مواردی نیز اجازه اعمال خشونت به برخی از افراد را می دهد، مانند "قتل در فراس" [10] یا "خشونت والدین به قصد تادیب نسبت به کودکان" [11]، این موارد و نمونه های دیگر نظیر اینها در ساختار حقوقی در تولید خشونت سهم مهمی دارند.

برای درک تعریف ارائه شده می توانیم به یک از صدها هزار پرونده ی مختلف در این خصوص مراجعه کنیم.

2.3. مطالعه موردی 1:

حریم خانه همیشه بهترین پناهگاه انسان ها به خصوص کودکان است، اما گاهی شاهد فرار دختران، زنان و حتی برخی پسران از خانه هستیم، عامل عمده این فرارها خشونت خانگی است! برای نمونه خانم های جوانی امروزه به مشاوران، وکلا و روانشناسان مراجعه می کنند که به وسیله نزدیک ترین افراد درون خانه خود، مورد تعرضات مختلف جسمی و یا جنسی قرار می گیرند. به یک نمونه توجه بفرمایید:

دختری 14 ساله مدعی است که به وسیله برادر 17 ساله اش مورد تعرض جنسی قرار گرفته است. او موضوع را با مادرش در میان می گذارد، مادرش با عصبانیت به او اعتراض می کند که حرف نادرست می زنی این ممکن نیست و از او می خواهد تا سکوت اختیار کند. باور پذیری این موضوع قطعاً برای مادران بسیار سخت است.

این دختر قادر نیست در مقابل برادرش مقاومت کند و تعرض جنسی به او استمرار می یابد. به ناچار تصمیم به فرار از خانه می گیرد، از تهران راهی شیراز می شود. بین راه با خانمی آشنا می شود به او پیشنهاد می دهد تا به خانه آن خانم بروند، دختر پریشان و نا آگاه و متواری از خشونت، اسیر چرب زبانی خانم می شود و قبول می کند. شب نخست در منزل آن خانم به خوبی می گذرد، از شب دوم خانم به تدریج خودش را به دختر نزدیک می کند و تماس جنسی آنها شروع می شود، هر چه دختر اظهار بی علاقه می کند او دست بردار نیست. دختر ناچار می شود از پناهگاه دومش نیز فرار کند. به پارک شهر پناه می برد و تا آخر شب در آنجا روی نیمکتی غرق در افکارش است که پلیس گشت کلانتری به او مشکوک می شود و از او کارت شناسایی و آدرس می خواهند، وقتی قادر نیست آدرسی ارائه دهد او را به کلانتری منتقل می کنند. ماجرای فرار او آشکار می شود. پرونده به دادسرا ارسال شده، و در نهایت به خوابگاه بهزیستی منتقل می گردد. خانواده اش مطلع شده و خود را به شیراز می رسانند. در حالی که به دلیل اظهارات آن دختر علیه برادرش به عنوان دلیل فرار پرونده ای به عنوان تجاوز به عنف تشکیل می شود. این پرونده به دلیل اینکه محل وقوع جرم تهران است، با قرار عدم

صلاحیت به تهران ارسال می شود. دادسرای عمومی و انقلاب تهران برادر دختر را تحت تعقیب قرار می دهد. خانواده او به شما به عنوان وکیل مراجعه می کنند. چگونه باید با این پدیده روبرو شد؟ خشونت صورت گرفته که نمونه های آن پنهان و آشکار در جامعه وجود دارند را چگونه باید تحلیل کرد؟ قانون و سیستم قضایی با این موارد چگونه روبرو می شوند؟ نقش وکیل در حل این بحران چیست؟

هر یک خشونت یک بحران است، این بحران در درون خانواده شکل می گیرد و حسب مورد ابعاد مختلف پیدا می کند. وکیل در این موارد باید بخشی از مدیریت حل بحران باشد. بی دقتی و رفتاری غیر مسئولانه سرنوشتی بس خطرناک برای این خانواده و حتی برای شخصی قربانی رقم خواهد زد .

تشخیص انواع خشونت و راهکارهای برخورد حقوقی با آن در چنین مواردی بسیار سخت است. چون هر اقدام حقوقی پیامدهایی به دنبال خواهد داشت که در چهارچوب خانواده مهلک خواهد بود. در اینجا است که یکی از بایسته های این نوع پرونده ها تصمیم دقیق گرفتن و تسلط به همه ابعاد موضوع است. وکیل در این موارد با یک پازل به هم ریخته و بحرانی روبرو است که برخی قطعاتش ممکن است هرگز جفت نشوند! در صورت به هم رساندن آنها نیز با واقعه ای تلخ باید روبرو شد. آگاهی به همه پیامد ها بسیار مهم است .

ضعف کارکرد حقوق کیفری در ساختار حقوقی نیز دغدغه های اضافی تامین عدالت برای مردم و وکلا را فراهم می کند . گاهی دستگاه قضایی در نمونه ای که یاد شد کمکی به حل بحران نکرده و حتی ممکن است بحران را تشدید کند!

برای روشن تر شدن موضوع به برخی ابعاد واقعی ماجرا توجه کنید؛ در این فرض اگر موضوع به دادسرا واگذار شود، این دختر است که باید ادعای خود مبنی بر تجاوز به عنف را به اثبات برساند، برای این کار باید به پزشکی قانونی برود، معاینه بکارت صورت بگیرد. سپس برادرش باید تحت تعقیب قرار گیرد و به دلیل اینکه زنای با محارم مجازات مرگ به دنبال دارد، این دختر با سن کم باید بداند که اولاً اگر ثابت نکند که مورد تجاوز قرار گرفته است خودش و برادرش هر دو با مجازات "مرگ" روبرو هستند. ثانیاً، در فرض اثبات تجاوز برادر خودش را به سمت مجازات مرگ می برد، در حالی که این سیستم قضایی است که باید با هر دو عادلانه رفتار کند. در اینجا قربانی فقط عدالت می خواهد! اما این ضعف کارکردی سیستم مانع از آن نخواهد شد که وکیل به عواقب امر توجه نداشته باشد! بلکه مسئولیت وکیل را سخت تر می کند. در این شرایط بحران حاد تر می شود !

از این نظر تشخیص خشونت و ساختار آن و همچنین نوع واکنشی که باید نسبت به آن انجام داد به هم بسیار تنیده و وابسته هستند.

2.4 - خشونت خانگی به مثابه جرم و شبه جرم

چنانچه پیش تر گفته شد، وکیل متخصص در امور حقوقی است و با اشراف به همه جوانب حقوقی یک پدیده مجرمانه سعی در انتخاب بهترین روش برای مقابله با آن را دارد. در وهله نخست او باید به جرم بودن و یا جرم نبودن عمل پی ببرد، اگر موضوع مورد ادعای موکل جرم نیست، ضرورت ندارد به امور واهی متوسل شد تا به هر شکل ادعای او را جرم بدانیم و

وصف کیفی برایش جستجو کنیم. در جایگاه وکیل مدافع همواره می بایست علاوه بر تسلط به ساختار قضایی و قدرت پیش بینی اتفاقاتی که ممکن است در اثر یک اقدام حقوقی روی دهد را داشته باشیم و همه جوانب درونی موضوع را نیز مد نظر گرفت.

تامین عدالت می بایست مهمترین دغدغه وکیل و مشاور حقوقی باشد. منظور از تامین عدالت صرفا تامین عدالت برای قربانی نیست، بلکه تامین عدالت برای جامعه، مرتکب و قربانی است. در عمده پرونده های خشونت خانگی جرمی روی داده است، اما همیشه این جرم تعیین کننده واکنش قربانی و وکیل مدافع نیست، پیامدهای واکنش احتمالی و نتیجه ای که از آن به دست خواهد آمد نیز باید مد نظر قرار گیرد. همواره منافع موکل را باید سنجید و در اظهار نظر بر اساس احساسات خودداری کرد.

مثلا، همکاری که وکیل یک قربانی تجاوز بود، صبح روز اجرای مراسم اعدام متجاوز اجرا می شد، نقل می کرد که موکلش که خانم دکتری است که مورد تجاوز وحشیانه قرار گرفته است از دیدن صحنه اعدام متجاوز اظهار رضایت و خرسندی داشت، این اتفاق به انتقام بیشتر شبیه است تا عدالت برای قربانی، چون او همواره با کابوس های ناشی از آن زندگی خواهد کرد و تغییر در شرایط خودش و البته مجازات متناسب برای مرتکب می تواند آرامش برای قربانی در پی داشته باشد.

همانطور که اطلاع دارید، همه جرایم و شبیه آنها ایجاد مسئولیت برای فاعل آن به همراه دارد. مسئولیت کیفی و مسئولیت مدنی در عمده پرونده های خشونت، تامین عدالت با یکی از طرق زیر و در مواردی تامین همه روش ها باید هم و یا برگزیدن یکی از آنها محقق می گردد .

اول؛ موضوع را جرم بدانیم، و فورا به مقامات پلیس و مقامات قضایی اطلاع دهیم. بر اساس همین دیدگاه و فوریت نیز موضوع را دنبال کنیم. در مواردی مانند تجاوز به کودکان خردسال، جایی که جرحی بر بدن وارد شده، و جایی که دخالت فوری مقامات مسئول به جمع آوری تخصصی ادله و حفظ ادله اثباتی منجر می شود.

دوم؛ تلاش برای جبران خسارت خارج از دادگاه و یا استفاده از مراجع شبه قضایی مانند شورای حل اختلاف، یا ارجاع موضوع به داوران انتخابی. این مورد در خصوص خشونت های اقتصادی و مواردی که طرفین امکان ادامه ارتباط با یکدیگر را دارند، بهتر می توان به کار برد.

سوم؛ برگزیدن روش های عدالت ترمیمی، در این روش با بهره گیری از استانداردهای عدالت ترمیمی از طرق مختلف مانند، جبران ضرر معنوی با پرداخت پول یا دلجویی از قربانی و سپردن تعهدات لازم برای برقراری نظم ممکن است. این روش معمولا در مواردی که خشونت چندان جدی نیست، و به صورت ناگهانی روی داده است کاربرد دارد. البته درباره مثال بالا این شیوه کارساز نخواهد بود .

بنابراین اغلب خشونت‌ها پدیده مجرمانه هستند، که گاهی ممکن است در قالب رفتارهایی غیر مجرمانه تعریف شوند مانند سهل‌انگاری، غفلت و یا خشونت‌های اقتصادی. در همه موارد مسئولیت‌های ناشی از جرم و شبه جرم مفروض است. وکیل مدافع به روشنی با این دو فرض حقوقی مسئولیت آور برای حمایت از قربانی آشنایی دارد.

2.5 - مسئولیت‌های اجتماعی و امر دفاع

یکی از مسئولیت‌های حقوقدانان در هر جامعه نقد قوانین آن جامعه است. وکلای مدافع به دلیل تسلط به قوانین و همراهی در اجرای این قوانین با دادگاه‌ها و مردم نقاط ضعف و قوت آنها را می‌شناسند. این شناخت امکانی فراهم می‌کند تا نسبت به قوانین ناعادلانه و غیر ضروری و یا دست‌وپاگیر بی‌تفاوت نبوده و نسبت به قوانین حمایتی نیز تاکید داشته باشند.

نقد وکلا نسبت به قوانین به عادلانه شدن تصمیمات قضایی کمک می‌کند. ممکن است گفته شود در ساختار حقوقی ایران جای چندانی برای این موارد وجود ندارد! این اشکال درست است، اما کامل نیست، نظرات وکلا مانع ابزار شدن قانون برای سرکوب می‌شوند. ظرفیت‌هایی که در قوانین داخلی وجود دارد، این امکان را خواهد داشت تا مثلاً در موارد تمام‌کودک‌آزاری‌ها دادگاه‌ها با دید سخت‌گیرانه‌ای نسبت به والدین بنگرند. یا گاهی سخت‌گیرهای بی‌اهمیت را حذف کنند. نارسایی‌های حقوقی و ساختاری اگر چه می‌توانند موجب کندی کار دفاع به شیوه مطلوب باشند، اما نمی‌تواند مانع فعالیت دقیق وکیل مدافع شوند.

برخی قوانین بین‌المللی یا حتی قوانین داخلی ممکن است ناظر به موضوع پرونده‌های خشونت خانگی وجود داشته باشند که رعایت آنها الزامی باشد، اما به دلیل عدم تمایل سیستم دادگستری ایران در استفاده از آنها بدون اینکه منسوخ شده باشند، نادیده انگاشته می‌شوند. به طور مثال ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همچنین کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است. برخی از اصول و مقررات این سه سند مهم بین‌المللی می‌توانند یاور وکلای مدافع در دفاع از موکل خود یا در فراهم کردن بستری برای تحقق بهتر عدالت باشند. به طور مثال محروم کردن کودکان از دسترسی آموزشی، تبعیض نسبت به آنها، سرپرستی غیر شایسته و قراردادن آنها در شرایط سخت جنگ، کار کودکان، بهره‌کشی اقتصادی و جنسی از آنها همه و همه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر که ایران نیز آنها را امضاء کرده ممنوع شده است. یا تبعیض بر اساس جنسیت که مبنای بسیاری از خشونت‌ها علیه زنان در درون خانه‌ها است، در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی منع شده است. ماده سه میثاق مورد اشاره مقرر می‌دارد: "دولتهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده در این میثاق تأمین کنند." بر اساس ماده 9 قانون مدنی ایران، این قانون در حکم حقوق داخلی تلقی می‌شود وکلا می‌توانند از مقررات این سند مهم در دفاع بهره‌گیرند.

در قوانین داخلی نیز با چنین مقرراتی روبرو می‌شویم. ماده 1115 قانون مدنی، به زنان اجازه داده است تا در شرایط خشونت بدون از دست دادن امکانات مالی خانواده و بدون نیاز به "ناشره" شدن محل خطر را ترک کنند. در این حالت اصل بر اجبار زن به تمکین و ماندن در فضای مملو از خشونت نیست، تا در این فرض مستحق دریافت نفقه باشد.

همچنین ماده 9 قانون مسئولیت مدنی جبران خسارات ناشی از تجاوز جنسی و جبران خسارت معنوی را پیش بینی کرده است، کمتر دادگاهی به این دو قانون داخلی توجه دقیق و همه جانبه دارد، چون وکلای مدافع کمتر از آنها بهره برداری می کنند. با استفاده از این موارد می توان افرادی را از قرار داشتن در معرض خشونت بیشتر نجات داد و یا موجب تامین عدالت برای آنها شد.

بالاخره، حضور وکیل در پرونده و در کنار قربانی منافع دقیق و مصالح او را باید تامین کند. چون قربانی معمولاً بعد از تحمل درد و رنج ناشی از خشونت و قرار گرفتن در محیط جرم همواره ممکن است دچار مشکلات دیگری شود و تحمل فضای پیرامونی محیط کیفری مانند دادگاه ها و دادرها برایش سخت باشد. وکیل با کنترل دقیق شرایط و انتقال درست آنچه در این فضای بیگانه با قربانی روی می دهد به شیوه صحیح به قربانی و انتقال آنچه منافع و مصالح قربانی است به دادگاه؛ از یک طرف امر تصمیم گیری را برای دادگاه آسان می کند و از طرفی موجبات آرامش او فراهم می شود.

برای نمونه می توان به اعلامیه اصول بنیادی اجرای عدالت برای قربانیان بزه کاری و سوء استفاده از قدرت مصوب 1985 اشاره کرد. [12] در این اعلامیه جزئیاتی درباره چگونگی تامین عدالت جزایی برای قربانیان به کشورها توصیه شده است.

مسئولیت های اجتماعی جامعه را به اجرای این استانداردها سوق خواهد داد. وکلای مدافع در پیش رو قراردادن این مسئولیت ها نقش مهمی خواهند داشت.

2.6 - مسئولیت های اخلاقی در دفاع

وکیل فاعل غیر اخلاقی در مواجهه با پدیده مجرمانه خشونت در موضع حقوقی آن نیست. بلکه خوب و بد اخلاقی هر موضوع باید در رفتار و تصمیمات حقوقی وی تاثیر داشته باشد. در بسیاری از کشورهای دنیا مقررات اخلاقی و حرفه ای بر رفتار وکیل نظارت تنگاتنگ دارد، اما در ایران با این پدیده روبرو نیستیم، در حقیقت کشور ما حرفه وکالت دادگستری را از غرب گرفته است اما همه قواعد اخلاقی که در کشورهای غربی بر رفتار وکلا نظارت دارد را نادیده انگاشته است. البته در برخی قوانین متفرقه از جمله قانون وکالت، آیین نامه لایحه استقلال کانون های وکلا به اصول اخلاقی نیز اشاره شده است. مثلاً وکیل باید سوگند وکالت یاد کند و متن سوگند نامه وکیل در ایران حاوی اصول اخلاقی مختلفی است و تخلف از آن برابر آیین نامه مورد اشاره مجازات انتظامی برای وکیل در پی خواهد داشت.

متن سوگند نامه وکلای دادگستری:

"در این موقع که می خواهم به شغل شریف وکالت نائل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضائی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جوئی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف

اشخاص انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرارداد و مدافع از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده و ذیل قسمنامه را امضاء می‌نمایم" [13]

رعایت احترام دادگاه، طرفین پرونده و شهود همچنین اجتناب از کینه توزی و دخالت دادن اغراض سیاسی در کار خود از جمله اموری است که وکیل باید از آنها دوری کند .

اگر چه دستمزد وکیل را باید موکل بپردازد، اما این بدان معنی نیست که وکیل باید هر کار خلاف قانونی که موکل بخواهد صورت قانونی بدهد و به دادگاه‌ها ارائه کند. اصل دفاع در این نوع پرونده‌ها، ظاهراً " ساده به نظر می‌رسد، وکلا معمولاً اهمیت زیادی به این نوع پرونده‌ها نمی‌دهند. دلیل بی‌اهمیتی آنها به نبود پول زیاد در برخی از آنها برای وکلا باز می‌گردد. معمولاً این پرونده‌ها در نظام قضایی ایران بدون وکیل به وسیله قربانی و یا خانواده و اطرافیان دنبال می‌شود. در حالی که وکیل نمی‌تواند نسبت به این نوع پرونده‌ها بی‌تفاوت باشد .

برخی وکلای مدافع با بی‌تفاوتی کامل با چنین پرونده‌هایی روبرو می‌شوند. برای انجام رفتار مناسب بایسته‌های اخلاقی در این موارد را می‌توانیم چنین برشمیریم:

اول: ضرورت داشتن وکیل در این پرونده‌ها؛ بسیاری از خشونت‌های خانگی وقتی به مراجع قضایی می‌رسد، برای نخستین بار نیست که انجام شده است، معمولاً رفتارهای کوچک و عدم برخورد متناسب با آن و یا سکوت بلاوجه قربانی و یا عدم اطلاع او سبب تکرار و به تدریج بزرگ شدن خشونت می‌شود. از این رو حضور وکیل و کار کرد او می‌بایست به این چرخه خاتمه دهد و یا راهی برگزیده شود که احتمال تکرار را تا حد ممکن کاهش دهد. از این نظر بازپروری قربانی، ایجاد توان در وی و تلاش برای دور ساختن آنها از خشونت نیز در دستور اخلاقی کارکرد وکیل خواهد بود .

وکیل باید تلاش کند تا موضوع خشونت به کلی رفع شود، نه اینکه مرتکب به صورت موقت سرکوب شود و اگر محیط برای ارتکاب مجدد خشونت برای وی مهیا شد به ارتکاب مجدد آن بپردازد .

دوم: درستی رفتار و کردار وکیل آرامش بسیار بالایی به موکل می‌دهد، از این رو اگر وکیل روش نادرستی در پیش بگیرد، یا دعاوی غلط طرح کند، این اعتماد آسیب خواهد دید. این موضوع باید بین موکل و وکیل نیز به درستی باشد، مثلاً وکیل نمی‌تواند از موکل خود مازاد بر توافق اولیه پولی طلب کند، طرح موضوعاتی مانند نیاز به وجه اضافی برای پرداخت به مامورین و دادگاه و یا هزینه‌های اضافی دادرسی روش نادرستی است و به هیچ وجه جایز نیست .

سوم: پرهیز از پیش داوری و یا قضاوت نادرست درباره موکل، هر نوع پیش داوری درباره کار موکل و یا مقصر دانستن بی‌مورد او در یک ماجرا مانند اینکه بگویید اگر اینطور لباس نمی‌پوشید مورد تجاوز قرار نمی‌گرفتید و یا اینکه اگر به همسرت احترام می‌گذاشتید او شما را کتک نمی‌زد و از این قبیل موارد غیر مربوط به موضوع دفاع، اعتماد به نفس موکل را زایل می‌کند. شایسته نیست وکیل در این موارد وارد شود و حتی موکل را در معرض سوالاتی درباره تأثیر خودش بر وقوع خشونت بررسی و مورد سوال قرار دهد .

چهارم: در برخی پرونده های خشونت ممکن است نشریات و یا رسانه های مختلف برای صفحات حوادث به سراغ شما بیایند، در این موارد بدون رضایت موکل نباید موضوعی درباره وی در اختیار مطبوعات قرار دهید. رعایت منافع و مصالح او مهمترین روش اخلاقی است .

پنجم ارتباط با موکل؛ به دلیل اینکه موکلین معمولا استرس زیادی درباره یک پرونده دارند، وکیل می بایست توجه کند که به همه تماس های موکل پاسخ دهد .

ششم: پیشنهاد های غیر اخلاقی به موکلین ندهید. همه سرمایه یک وکیل پای بندی او به اخلاق حرفه ای است، حتی اگر موکل قصد ایجاد ارتباط با وکیل دارد، شایسته است تا حداقل پایان پرونده دامنه دوستی خود را محدود به کار نگهدارید .

هفتم: کار موکل هر چقدر هم کوچک باشد نباید آنرا کوچک پنداشت؛ یکی از مهمترین موضوعاتی که در ابتدای راه دفاع در پرونده های خشونت خانگی می بایست مد نظر داشت، این است که بی اهمیت نشان دادن هر پرونده ممکن است بین وکلا جاری باشد اما برای صاحب پرونده و قربانیان این موارد، ممکن است فقط یک بار در عمر خود با نهادهای قضایی و حقوقی ارتباط مستقیم پیدا کنند، این بی توجهی وکلا از نظر اخلاقی قابل قبول نیست. دسترسی به عدالت یک حق مهم و بدون ملاحظاتی بین شغلی وکلای دادگستری است. تامین این حق به حفظ سرمایه های اخلاقی منجر می شود. وکلای دادگستری سربازان عدالت هستند و در پاسداری از اخلاق انسانی می توانند پیشگام باشند.

در ادامه در این نوشتار اهمیت این قبیل پرونده ها و چگونگی دفاع شایسته از قربانیان آنها را بر خواهیم شمرد .

2.7 - مسئولیت کانون های وکلای دادگستری

در مقررات حاکم بر کانون های وکلای دادگستری نقش و جایگاهی برای آنها در شرایطی که افرادی به واسطه خشونت های خانگی، کودک آزاری و سایر جرایم نیاز به خدمات حقوقی دارند پیش بینی نشده است. مداخله این نهاد وابسته به دادگستری در دسترسی افراد مختلف به خصوص افراد با بنیه مالی ضعیف، به عدالت و خدمات حقوقی بسیار ضروری است .

در سال های اخیر نهادهایی در درون کانون های وکلای دادگستری در ایران شکل گرفته اند که در زمینه های معاضدت قضایی، حقوق بشر و حقوق کودکان فعالیت دارند. در جوار دایره معاضدت قضایی و کمیسیون حقوق بشر، کانون های وکلای دادگستری معمولا به اموری شبیه حقوق کودک، زنان توجه می کنند.

ایراد اساسی که بر ضعف مشارکت کانون های وکلا در حمایت از قربانیان جرایم توأم با خشونت خانگی می توان وارد دانست این است که داشتن وکیل در همه پرونده های مطابق قوانین جاری الزامی نیست. عدم تمایل دادگاه های دادگستری به قبول حضور و مداخله وکیل در همه موارد و به شکل گسترده و نداشتن قوانین تامین کننده این حق برای همگان به تدریج در جامعه فرهنگی به وجود آورده که تنها در شرایط بسیار مشکل زا و سخت، پس از اینکه امکان انجام کار از اصیل سلب شود به سراغ وکلا می روند. این روند نادرست اثبات خشونت های خانگی و تامین عدالت برای قربانیان خشونت خانگی را با اختلال جدی روبرو ساخته است .

در قوانین دادرسی کیفری و مدنی در کشور منعی برای استفاده از خدمات وکلا در نظر گرفته نشده است، اما تشویقی و یا الزامی به داشتن وکیل نیز وجود ندارد. تنها در برخی پرونده ها برای حمایت از متهم نه قربانی و زیان دیده از جرم داشتن وکیل الزامی است. واحد های معاضدت قضایی کانون های وکلای دادگستری نیز عنایت بیشتر به حقوق متهم دارند تا شاکی و قربانی جرم .

بدین مناسبت شایسته است تا این نهاد حقوقی مهم نیز در بدنه خود تغییرات صورت دهد تا امکان تامین وکیل برای همگان به خصوص افراد بی بضاعت فراهم شود.

ارائه آموزش های لازم به کارآموزان وکالت در ایام کارآموزی متناسب با پرونده های خشونت خانگی نیز می تواند حساسیت لازم در وکلای عضو کانون فراهم کند تا بدین وسیله امکان آگاهی از ماهیت این نوع پرونده ها فراهم باشد.

اقداماتی که اخیرا در قالب برنامه "وکیل خانواده" و " بیمه وکالت" در سطح جامعه در حال بررسی است و در محافل حقوقی وجود دارند، می تواند در فراهم کردن امکانات لازم برای وکلای دادگستری در مشاقت به مردم در دسترسی به وکیل موثر باشد. [14]

بخش سوم:

3.1 - راهبردهای دفاع موثر در پرونده های خشونت خانگی

در بخش نخست بایسته های دفاع در پرونده های خشونت خانگی اشاره داشتیم. برای اجرای همه بایسته ها در قلمرو پرونده های خشونت خانگی، ضرورت دارد تا قواعد و استانداردهای امر وکالت را به خوبی فرا گرفت و به کار برد .

دانشی که وکیل دارد، دانش تشخیص عدالت و بی عدالتی است. برای بهره مندی از این موضوع وکیل مبارز در راه حق و در میدان نبرد عدالت و بی عدالتی قرار می گیرد .

خانواده یکی از مهمترین نهاد های اجتماعی است که بدون تردید به عدالت میان اعضاء خود محتاج است. گاهی رفتارهای بین اعضاء این اجتماع کوچک نسبت به یکدیگر ظالمانه و همراه با بی عدالتی خواهد بود. در بخش اول تشخیص موارد را از مهمترین ضروریات دفاع از قربانیان خشونت خانگی دانستیم و مورد بحث قرار دادیم، در این بخش مصادیق روشن رفتاری و راهنمای عملکرد در موارد لازم را مورد بازبینی قرار می دهیم .

یاد آوری این نکته ضروری است که معمولا همه وکلا روش های مخصوص به خود در هر پرونده و رفتار با موکل را بر می گزینند، این موضوع کاملا طبیعی است و هدف از نگارش این مطالب تغییر شیوه های اختصاصی و یا ارائه شیوه خاصی نخواهد بود. آنچه موضوع این بحث است، ارائه راهبردهایی که به بهتر شدن روش های شخصی پیش رو با پرونده های خشونت خانگی کمک می کند، است .

3.2 - از مراجعه موکل به وکیل مدافع تا پذیرش دفاع

مجوز فعالیت به عنوان وکیل دادگستری در هر جامعه ای تابع مقررات سخت خود است، این قوانین شایستگی های علمی و اخلاقی را در بر می گیرد. شایستگی هایی که از وکیل فردی که حامی حق و عدالت است معرفی می کند. معیار این شایستگی در رفتار و شیوه انجام امور موکلان و مراجعان به وکیل آشکار می شود .

از آنجایی که عدالت تعطیل بردار نیست و وکیل در جوامع امروزی بخشی از پروسه تامین عدالت را فراهم می کند، برای ورود به دفاع بررسی دقیقی درباره آنچه به کارش مربوط می شود صورت دهد .

در بسیاری از کشورها وکلا ابتدا به راستی آزمایی موکل خود و ادله مورد نظرش می پردازند، آنچه به تعبیر نگارنده پیش قضاوت تخصصی وکیل قبل از رفتن به دادگاه خوانده می شود. البته این اتفاق نباید به شیوه ای باشد که به قربانی آسیب وارد کند.

معمولا در کشور ما وکلای دادگستری کمتر به صورت تخصصی یا گروه های تخصصی یا شرکت های حقوقی با تخصص های مختلف کار می کنند، و به ازاء هر یک یا دو وکیل ممکن است دفتر وکالت وجود داشته باشد، آنچه در سایر کشورهای مرسوم نیست، و فعالیت بر اساس اهداف شرکت حقوقی و تخصص های مختلف و یا محدود صورت می گیرد. اعم از این که شخص وکیل موکلین را می پذیرد یا شرکت حقوقی علاوه بر رعایت استانداردهای قانونی برخی راهبردها را برای رسیدن به بهترین دفاع در این پرونده ها می بایست به کار برد .

مهمترین راهبردهایی که در قدم های نخستین هر پرونده باید در نظر داشت شیوه تنظیم قرارداد بین موکل و وکیل و شرایط لازم مقرر در این نوع قراردادها است. برخی از این موارد شامل:

اول: معمولا قربانیان خشونت های خانگی از بیان آنچه بر آنها گذشته است ابااء دارند. چون تکرار این امور برای هر انسانی معمولا آزار دهنده است. اگر نوع خشونت صورت گرفته جنسی باشد تمایل قربانیان به سکوت بیشتر می شود. و البته بیان و تکرار واقعه نیز درد ناک تر خواهد بود. درک شرایط موکل کمک بزرگی به وکیل می کند تا ارتباط منطقی با موکل برقرار کند. برای این منظور سوالات غیر مرتبط و غیر موثر در پیش برد پرونده تنها به خراب شدن رابطه وکیل و موکل منجر می شود. باید اجازه داد تا موکل با آزادی کامل شرایط خود را بیان کند. بنابراین به دقت به سخنان موکل گوش فرا می دهیم .

دوم: اگر برای جمع آوری و حفظ دلایل اقدام فوری مانند جلب نظر پزشکی قانونی لازم است به جای مصاحبه مفصل با موکل ابتدا این اقدام را صورت می دهیم و سپس با دستاوردهایی که از نظر پزشکی قانونی داریم بهتر می توانیم به مصاحبه با او پردازیم .

سوم: موکلین کودک را نباید مورد پرس و جو قرار دهند، بلکه با کمک از والدین، معلمان، مشاوران، مددکاران و یا سایر وابستگان سعی کنند تا به اطلاعات لازم درباره موضوع پی ببرند .

چهارم: روابط با موکل را بسیار حرفه ای باید نگهداشت و هیچ ضرورتی ندارد تا روابط دوستانه خارج از عرف معمولی با موکل برقرار کنیم .

پذیرش وکالت باید با در نظر داشت همه جوانب موضوع پرونده باشد. طرح استراتژی دفاع و راهبردهای اجرای آن باید در همان ابتدای پرونده در مرحله پذیرش پرونده شروع شود و شکل بگیرد. ورود به پرونده های خشونت بدون در نظر داشتن موارد یاد شده می تواند موجب شود تا عدالت و بی عدالتی به درستی تفکیک نشوند. در این میان قربانی با برچسب زدن و یا تحریک خشونت گر مواجهه شود. و یا در خلال اجرای دفاع قربانی ناچار به عدم تمایل به استفاده از وکیل شود.

3.3 - جمع آوری دلایل و حفظ آنها

حفظ و جمع آوری دلایل مهمترین راهبرد موثر در اثبات جرایم توام با خشونت است، اگر لازم است از صحنه ای عکس برداری ویا ویدئو تهیه شود، بهترین افرادی که شایسته و متخصص در این رابطه، پلیس بررسی صحنه جرم هستند، اگر امکان دسترسی به پلیس نیست و فوریتی در ضبط آثار وجود دارد، می توان اقدام شایسته را به وسیله ابزار هر چه بیشتر حرفه ای صورت داد. حفظ دلایل اجرای عدالت را به آسانی هموار خواهد ساخت .

تامین دلیل: تامین دلیل یکی از تکنیک های قضایی در پرونده های مدنی محسوب می شود، اما می توان از آثار آن در سایر پرونده ها نیز بهره جست. در مواردی ممکن است پلیس تمایل به ورود به موضوعی نداشته باشد و یا اینکه موضوع از نظر آنها جرم محسوب نگردد، و یا اساسا جرم نباشد، اما دلایل خشونت برای استفاده در دادگاه های خانواده و یا دادگاه های حقوقی لازم باشد. در این شرایط بهترین روش استفاده از تامین دلیل است .

همانطور که اطلاع دارید، تامین دلیل به وسیله شورای های حل اختلاف و با کمک کارشناسان رسمی قسم خورده صورت می گیرد. برای انجام بهتر این امر همراهی با کارشناس و ارائه توضیحات لازم و یا حاضر کردن افراد مطلع در زمان معاینه محل موثر در نظر کارشناس خواهد بود. به طور مثال زمانی که خشونت خانگی همراه با تخریب برخی وسایل منزل انجام شده، این روش موثر در اثبات موضوع است .

مراجعه به پزشکی قانونی مهمترین وسیله برای حفظ دلایل خشونت های فیزیکی وارده بر تمامیت جسمانی و در مواردی نسبت به خشونت های جنسی محسوب می شوند. معمولا در موردی که خشونت شدید است این اتفاق به صورت متعارف به وسیله پلیس با هماهنگی مقامات قضایی و پزشکی قانونی انجام می شود. در مواردی که خشونت مورد بی توجهی قرار می گیرد، و حفظ دلایل همراه با دقت بالا نیست، حتی درباره نظرات پزشکی قانونی، وکیل می تواند با توضیح خواستن از پزشک قانونی و پلیس به روشن تر شدن موضوع و کسب نتیجه بهتر تلاش کند .

معمولا شهود حاضر در هر واقعه، در زمان نزدیک به واقعه مورد تحقیق قرار بگیرند برای اثبات خشونت و تشخیص موضوع و شناخت مرتکب آن مفید خواهد بود .

وکیل با ایفای نقش در هر یک از این مراحل می تواند به احقاق حق قربانی و اجرای عدالت و همچنین عدم نیاز به درگیر شدن قربانی با فرایند کیفری کمک موثری کند.

3.4 - تعامل با پلیس و مقامات قضایی

پلیس نقش بسیار بالایی در تشکیل پرونده، تعقیب متهم و جمع آوری دلایل دارد. بر این اساس شایسته است تا علاوه بر نقش سنتی پلیس تلاش کرد تا پلیس نیز درک خود را از قربانی خشونت و رفتارش با متهم سطح بالایی از کنترل و دقت را داشته باشد. برای تحقق این موضوع وکیل با اطلاع دقیقی که از نتیجه هر پرونده دارد و نتیجه آنرا پیش بینی می کند، می تواند از قرار گرفتن متهم در شرایط خطر با کمک پلیس جلوگیری کند.

تعامل با پلیس در برخی پرونده ها اهمیت بیشتری خواهد داشت، مثلا در پرونده های تجاوز معمولا در شرایط حقوقی کنونی امکان قرار گرفتن قربانی در جایگاه متهم و حتی محکوم ممکن است. از این رو تعامل با پلیس می تواند از تدوین گزارش هایی که می توانند قربانی را در معرض خطر محکومیت قرار دهند جلوگیری کند. اگرچه ممکن است گفته شود چون تشخیص وصف کیفری و تفهیم اتهام با مقام قضایی در دادسرا است، پلیس چگونه می تواند در این خصوص نقش موثر داشته باشد؟ در پاسخ می توان گفت که تکمیل سریع پرونده، سرعت عمل در جلب نظر پزشکی قانونی و حفظ بهتر ادله و توجه به همه دلایل و ارائه همه آنها به مقام قضایی به وسیله پلیس می تواند در اثبات تجاوز موثر باشد و باور پذیر شدن سخنان قربانی را بیشتر کند.

همانطور که آگاهید هر نوع ارتباط با مردان برای زنان که تعریف فقهی نا مشروع بدان اطلاق شود جرم و قابل تعقیب است مگر اینکه عمل با زور، عنف، اکراه و اجبار باشد. در برخی مواقع بخشی از رفتارها که مصداق فعل حرام محسوب می شوند همراه با رضایت صورت می گیرند اما ممکن است بخشی های دیگر آن توأم با عنف باشند. در این شرایط موقعیت قربانی برای بخش نخست با خطر متهم شدن روبرو می سازد. تعامل با پلیس و مقام قضایی می تواند امکاناتی برای جلوگیری از محکومیت قربانی در جرایم تعزیری را فراهم کند.

به طور نمونه در مورد خانمی که با علاقه اولیه حاضر می شود تا برای گفتگو درباره ازدواج و یا فراهم شدن مقدمات روابط دوستانه با هر هدف مشروع دیگری وارد ارتباط معمولی با مردی می شود. این مرد از فرصت حضور خانم در اتومبیل، منزل و یا هر جایی دیگر سوء استفاده کرده و اقدام به تعرض جنسی به وی می کند و از این صحنه ممکن است عکس و یا ویدئو نیز تهیه کند. در مقررات جمهوری اسلامی جمع شدن زن و مرد نامحرم در یک فضای بسته و یا حتی دست دادن و احوال پرسی آنها مصداق فعل حرام محسوب و تعریف گردد.

یا در فرضی دیگر که با آن روبرو بوده ام خانمی که در یک شرکت بزرگ کار می کند، ارباب رجوع جوانی دارد که به او پیشنهاد دوستی می دهد. آن دو چند بار یکدیگر را ملاقات می کنند و در اثر تماس با هم علاقمندی در آنها برای ازدواج ایجاد می شود و خانم به منزل پسر جوان می رود، آنها در کنار یکدیگر می نشینند و چند بار یکدیگر را می بوسند. از این ماجرا چند روز می گذرد و پسر جوان عکسی از صحنه بوسیدن خانم به ایمیل او ارسال کرده و درخواست می کند تا ده میلیون تومان پول به او بدهد تا این عکس را منتشر نکند و در اختیار کارکنان و مدیر شرکت محل کار وی قرار ندهد. این تهدیدات معمولا قربانی را به سکوت و اصرار مرتکب خشونت سبب شد تا خانم برای کسب شماره به دفتر من مراجعه کند. پس از شنیدن ماجرا طرح شکایت را پیشنهاد دادم و البته به او گفتم ممکن است در ارتباط با تماس های

اولیه و تا آن بخش که با رضایت شما بوده است متهم و به عنوان ارتکاب فعل حرام محکوم شوید. اما راه نجات از آن این است که از دادستان خواست تا "قرار تعلیق تعقیب" در این خصوص صادر کند. با توجه به اینکه حسب قانون مجازات کسانی که در امور سمعی و بصری اخلاص می کنند؛ تهیه فیلم و عکس از زنان و فضای خصوصی و انتشار آنان جرم است و قابل تعقیب و حسب مورد به مجازات از جریمه تا اعدام نیز در بر دارد. بلافاصله با اقدام قانونی پسر جوان بازداشت شد. اما پس از مدتی وقتی پلیس گزارش داد که حالت خانم در ویدئو بدست آمده معمولی است و نشان از اجبار در آن دیده نمی شود، خانم متهم به ارتکاب فعل حرام متهم شد. بلافاصله برای صدور قرار تعلیق تعقیب اقدام کردم و با اصرار زیاد موفق شدم تا دستوری مبنی بر جدا شدن این دو پرونده و صدور قرار تعلیق تعقیب بدست آورم. این موضوع به دست نیامد مگر با تعامل و تشریح دقیق شرایط قربانی برای مقام قضایی .

3.5 - دفاع در دادگاه ها

با توجه به اینکه برای مقابله و برخورد دادگاه ها با پدیده خشونت خانگی قانون مشخصی در اختیار نیست، دادگاه ها معمولاً بر اساس مقررات قانون مجازات اسلامی و یا سایر قوانین کیفری مبادرت به رسیدگی و صدور حکم می کنند. نبود قوانین خاص امر دفاع و اتخاذ تصمیم را سخت و همراه با رفتارهای غیر متناسب با موضوعات خشونت خانگی ساخته است. تغییر قوانین حقوقی برای تبیین خشونت خانگی بر عهده قوه مقننه است، اما با ظرفیت موجود می توان تلاش داشت برخی از نواقص را برطرف کرد.

دادگاه ها برای اثبات امر خشونت بر اساس شدت و ضعف جرم، دلایل آن و یا شدت و ضعف آسیبی که به قربانی وارد شده است، یا با نگرش به هر سه مقوله مورد اشاره به این نوع جرایم توجه، سپس رسیدگی و اقدام به صدور رای می کنند. آنچه که اهمیت بالایی دارد توجه صرف دادگاه به قربانی نیست، بلکه برخورد عادلانه و قرار ندادن قربانی در جایگاه مساعدت کننده به مرتکب خشونت است. برای حذف این شیوه برخورد وکیل می تواند اقدامات متناسبی را معمول کند.

حتی اگر دادگاه با حضور موکل یعنی قربانی تشکیل می شود بهتر است که وکیل به جای قربانی امر، بیان موضوع و ماجرا را و طرح شکایت را برعهده بگیرد. پیش از محاکمه توضیحات لازم به موکل داده شود تا در صورتی که دادگاه وی را مورد سوال قرار داد، بتواند از عهده سوالات به درستی بر آید. موکلین به دلایل بی اطلاعی از روند کار دادگاه ها معمولاً توضیحات زیاد و بی ارتباط با اصل ماجرا و آن بخشی که می تواند مورد استفاده دادگاه واقع شود ارائه می کنند.

وکیل برای بخش های مهم پرونده و دفاعیات دقیق شایسته است تا قبل از شروع دادگاه مطالعات لازم پیرامون موضوع صورت داده و آخرین ابهامات را با موکل برای خود برطرف کند.

پیش بینی آنچه متهم و وکیل او ممکن است در دادگاه ارائه داده و سعی در نفی خشونت و یا رد آن کنند. این پیش بینی می تواند توان وکیل را افزایش دهد تا روشن تر بتواند دادگاه را راضی به اتخاذ تصمیم دقیق کند .

دفاعیات وکیل می تواند در دادگاه به صورت شفاهی و یا کتبی باشد و اما درباره دفاعیات کتبی توجه داشته باشید که آن را برای دادگاه قرائت کرده و توجه دادگاه را به مفاد دفاعیات جلب کنید.

بهترین نوع دفاع آن است که تلفیقی از ارائه مطالب کتبی و از قبل تهیه شده نسبت به بخش های ثابت پرونده باشد و ارائه مطالب شفاهی نسبت به بخش هایی از پرونده که در خلال دادرسی مورد توجه دادگاه، نماینده دادستان و یا وکیل متهم قرار می گیرد.

اگر پرونده مورد استقبال رسانه ها قرار گرفته و دادگاه علنی برگزار می شود، توجه کنید که موضوعات نادرست به وسیله آنها مورد توجه ناشیانه قرار نگیرد. چون معمولاً خبرنگاران به موضوعات با قدرت جذب مخاطبان معمولی بیشتر علاقمند هستند تا به بیان شیوه دسترسی به عدالت برای قربانی. از این نظر اگر احساس کردید که موضوعات به شیوه ای در حرکت است که اذهان آنها را به سمت امور ناپسند و مغایر منافع موکلان پیش می رود می توانید مانع انتشار آنها شوید و از دادگاه بخواهید تا به خبرنگاران تذکر دهد و یا اینکه از دادگاه بخواهید تا ادامه رسیدگی دادگاه را غیر علنی اعلام کند تا موجبات هتک احترام موکل و آسیب به حریم خصوصی او فراهم نشود.

نکته دیگری را که می توان مورد توجه قرار داد این است که دقت داشته باشید به همه ابعاد موضوع توجه کنید و همه شکایت موکل شما در دادگاه رسیدگی شده و برای هر بخش که عنوان مجرمانه جداگانه دارد، حتماً تفهیم اتهام مشخص صورت گیرد، تفهیم اتهام کلی نمی تواند در دادگاه مفید باشد.

نکته آخر اینکه هیچ موضوعی را بدون پاسخ روشن باقی نگذارید. پاسخ به موقع از این نظر اهمیت دارد که اگر موضوعی مورد انکار قرار می گیرد و یا نسبت به مدرک و یا سندی ادعای تردید و یا ابهام مطرح می شود، باید به روشنی از اسناد استفاده کرد و دلایل اصالت اسناد و یا مدارک، همچنین رفع ابهام از آنچه مورد تردید قرار می گیرد بسیار مفید خواهد بود. برای این منظور دقت در جریان دادرسی و دنبال کردن مطالب بسیار مفید است.

3.6 - وکیل به عنوان میانجی گر در پرونده های خشونت خانگی

در خلال رسیدگی به پرونده خشونت خانگی ممکن است پیشنهاد مصالحه و سازش با موکل شما مطرح گردد. این پیشنهاد را بادقت دنبال کنید. در برخی از موارد خشونت خانگی به خصوص زمانی که خشونت در مراحل نهادینه شدن نیست و یا اینکه به صورت اتفاقی رخ داده است مقاومتی در برابر موضوع صلح و سازش از خود نشان ندهید و موکل را نیز ترغیب به این موضوع نکنید. البته مشروط به رعایت شرایط دقیق آن و پیاده کردن اصول لازم در میانجی گری.

وارد شدن به موضوع سازش یک مقوله است و پیش بردن آن نیز مقوله ای جداگانه ای است. برای وارد شدن به اصل میانجی گری ضرورت دارد تا موافقت موکل را داشته باشید. بدون موافقت او ورود وکیل به بحث های سازشی نادرست، غیر معتبر و می تواند موجب مسئولیت برای وکیل باشد.

پس از موافقت موکل، درگیر بودن موکل به موضوع صلح و سازش را مورد توجه قرار دهید. در بسیاری موارد ممکن است در چنین مواقعی شرایط برای موکل سخت باشد. به خصوص در مواردی که موضوعات آزار دهند مورد بحث قرار می گیرد. لازمه حضور ابتدایی در این جلسات پذیرش خطا از جانب طرف مقابل است. اگر برای اثبات موضوع قرار است به بحث پرداخته شود بهتر این است که در دادگاه این اتفاق صورت گیرد. میانجی گری با مباحث اثباتی فاصله دارد.

مذاکرات برای رسیدن به سازش باید در شرایط عادلانه و برای نیل به عدالت صورت گیرد. از جمله مهمترین ابزارهای نیل به عدالت در این نوع اقدامات آن است که تضمین مناسب برای محافظت از قربانی بدست آوریم و اطمینان داشته باشیم که این تضمین کارکرد مناسب خواهد داشت .

ممکن است سوال شود که تضمین مورد نظر چیست و چگونه موثر می افتد؟ در پاسخ باید عرض کنم که در پرونده های مختلف و براساس نوع پرونده ممکن است تضمین متفاوت باشد، اما همه تضمینات می بایست به بازدارندگی مرتکب از تکرار خشونت منجر شود. مثلا، درباره جرم تجاوز به کودکان نمی توانیم وارد میانجی گری شویم. در باره کودکان معمولا امکان میانجی گری در جرایم تجاوز ممکن نیست، اما درباره سایر جرایم کودک آزاری ممکن است، بتوانیم با رعایت مصالح کودک و در صورتی که میانجی گری امکان استمرار خشونت را به وجه ملزومی از بین ببرد، بشویم.

در جرایم خشونت همسران نسبت به هم که به صورت اتفاقی رخ می دهد، معمولا امکان استفاده از روش میانجی گری مردود نیست. نتیجه میانجی گری را می بایست مکتوب داشت و چنانچه پرونده ای در دادگستری در این باره تشکیل شده است مراتب توافق به مرجع قضایی مربوطه منتقل شود. دادگاه در این موارد می تواند تصمیم نهایی خود را بر اساس نتیجه آن اتخاذ کند. در پرونده های حقوقی مانند طلاق، حضانت و نفقه امکان صدور گزارش اصلاحی وجود دارد. این گزارش تمامی آثار حکم دادگاه را خواهد داشت. امکان استفاده از آن در صورت تکرار خشونت وجود دارد .

میانجی گری یکی از دستاوردهای عدالت ترمیمی است که جایگاه خاص خود در امور کیفری را یافته است. جرایم خشونت خانگی به خوبی می توانند از دستاوردهای عدالت ترمیمی استفاده کنند. معمولا در بسیاری از اختلافات ناشی از خشونت های خانگی به خصوص خشونت هایی که ظاهر آشکاری برای نشان دادن خشونت ندارند، این روش مفید است .

میانجی گری به سه روش ممکن است روی دهد، اول میانجی گری جامعه محور، در این روش بدون نیاز به مراجعه به دادگاه ها برخی از مردم با استفاده از این روش تلاش می کنند تا از میانجی گری برخی معتمدین محلی بهره بگیرند و بدین وسیله مشکلات خود را مرتفع کنند. از این روش در موارد خشونت های سبک و بدون آثار سخت می توان استفاده کرد. توافق دوطرف برای استفاده از این روش مهم است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز از این روش استفاده می کنند، به دلیل اینکه هزینه مراجعه به دادگاه ها زیاد است. در موارد مهم خشونت، استفاده از این روش ممکن است برای حل اختلاف ممکن نباشد. دلیل عدم به کارگیری این موارد آن است که خشونت همواره ناشی از جرایم خطرناک است.

در این روش معمولا از مشارکت عمومی مردم در امر کیفری استفاده می شود. نقش برخی از اعضاء جامعه مدنی در حل و فصل خصومت های بین مردم اهمیت اجتماعی و حقوقی خاص خود را دارد .

روش دوم؛ میانجی گری تحت نظارت دستگاه قضایی و پلیس است، این روش زمانی کاربرد دارد که طرفین بعد از تشکیل پرونده انجام آن را از دادگاه بخواهند. در این روش پس از تشکیل پرونده طرفین توافق می کنند تا بیرون از دادگاه با حضور میانجی به حل و فصل موضوع بپردازند. معمولا قربانی در این روش با دریافت مبلغی پول و یا دلجویی موثر پس از اطمینان از عدم تکرار خشونت از ادامه پرونده انصراف خود را اعلام می دارد. نتیجه میانجی گری به دادگاه منعکس خواهد شد .

روش سوم میانجی‌گری کیفری و یا درون‌سیستمی؛ در این روش معمولاً با دخالت دادگاه و یا سایر مقامات قضایی سعی می‌شود به فصل خصومت بین طرفین پرداخته شود. این روش در پرونده‌ای قتل معمولاً به کار گرفته می‌شود. در این پرونده‌ها قربانی ممکن است به قتل رسیده باشد. در این صورت خانواده او هستند که در این فرایند مشارکت می‌کنند. به دلیل اینکه درصدی از قتل‌های جامعه ایران ناشی از خشونت خانگی است که معمولاً مردها زن‌ها و در موارد کمتری زن‌ها مرد‌ها را به قتل می‌رسانند. درباره قتل سایر اعضای خانواده نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به نظر نگارنده استفاده از روش‌های میانجی‌گری در پرونده‌های قتل در سیستم حقوقی ایران بسیار مطرح شده است، اما این روش نباید به قضاوت ناعادلانه درباره خشونت حادی مانند قتل منجر شود. به دلیل اینکه حداکثر مجازات قتل در صورت اعلام رضایت خانواده قربانی ده سال زندان است، و این میزان مجازات برای قتل عمدی درجه اول که با سبق‌تصمیم رخ داده باشد، متناسب نیست، سبب می‌شود تا مرتکب مجازات کافی دریافت کند. هدف از میانجی‌گری در امور کیفری حمایت از بزه‌دیده و جبران خسارت وارده بر او است. [15]

3.7 - اجرای حکم

در نظام حقوقی کیفری کشور ما قربانی و بزه‌دیده همواره سرنوشت مجازاتی که برای مرتکب خشونت رقم می‌خورد درگیر است. در جرایم قابل‌گذشت مانند خشونت اقتصادی (ترک نفقه) با گذشت شاکی در هر مرحله‌ای تعقیب و مجازات متوقف می‌شود. در سایر جرایم که علاوه بر جنبه عمومی جنبه خصوصی هم دارند، گذشت شاکی و یا بهتر بگوییم به نتیجه رسیدن میانجی‌گری سبب تخفیف مجازات خواهد شد. همین اصل درباره مرتکب خشونتی که محکوم شده است بعد از قطعیت حکم نیز جاری است. همانطور که همه وکلا به خوبی با این موارد آشنا هستند، بعد از قطعیت حکم و یا حتی شروع شدن اجرای حکم تلاش‌ها برای جلب رضایت بزه‌دیده صورت می‌گیرد. در صورتی که این تلاش‌ها به نتیجه برسد، مجازات مرتکب تخفیف می‌یابد. از این رو همیشه ممکن است کسی از جانب بزه‌کار زندانی در خانه بزه‌دیده را بزند.

نقش وکیل در این مرحله نیز در بهبود شرایط و در تامین عدالت برای قربانی مهم است. آزادی بزه‌کار با استفاده از میانجی‌گری نباید موجب شود تا او به سراغ قربانی بیاید و خشونت استمرار یابد.

برای کاستن از خطراتی که ممکن است رها شدن مجرم برای بزه‌دیده داشته باشد، لازم است تا بین پلیس، دستگاه قضایی و منافع بزه‌دیده یک ارتباط همیشگی باشد. مرتکب خشونت باید پس از آزادی تحت نظارت پلیس باشد و مجاز نباشد به منطقه زندگی قربانی نزدیک شود.

اگر قربانی از نزدیکان مجرم و مرتکب خشونت است در میانجی‌گری کار وکیل بسیار سخت‌تر خواهد بود. رسیدن به نقطه‌ای که منافع بزه‌دیده را تامین کند و از تکرار خشونت جلوگیری شود و مرتکب خشونت امکانات لازم برای درمان احتمالی و یا استفاده از روان‌شناس فراهم شود. اگر مرتکب خشونت نیز به درمان و مراقبت روان‌شناسی نیاز دارد، این موضوع نیز حتماً مد نظر قرار گرفته شود.

این تعادل و فراهم کردن زمینه برای زندگی بدون خشونت و بدون نیاز به ترس برای قربانی باید در مرحله اجرای حکم مد نظر باشد .

نتیجه گیری:

برای رسیدن به نتیجه ای قابل قبول شایسته است تا با توجه به آنچه تاکنون گفته ایم به یک پرونده واقعی در زمینه خشونت خانگی نگاه کنیم و به سوالات مربوط به آن پاسخ دهیم. همچنین به این موضوع توجه کنیم که چه سوالات دیگری ممکن است در این مورد مطرح شود و وکیل نیاز دارد به آنها فکر کرده باشد و پاسخی برای آنها بیابد؟

مطالعه موردی 2 :

پرونده هایی که هر روز در دادگستری ها مطرح هستند، شرایط عینی و منطبق با نظام حقوقی حال حاضر و امکانات مقابله با خشونت برای ما فراهم می کنند. در اینجا دعوت می کنم به این موضوع توجه بفرمایید و به سوالات مربوط پاسخ دهید: احمد همسرش را در تصادف از دست داده و با اصرار خانواده و اطرافیان با خواهر خانم خودش ازدواج می کند، اختلاف سنی آنها بیش از 15 سال است و خواهر خانم نیز به این ازدواج رضایت کامل ندارد .

اطرافیان برای نگهداری از کودکان بی مادر اصرار به این وصلت دارند. برای همین ازدواج سر می گیرد. روزهای نخست زندگی جدید به خوبی پیش می رود. بچه ها احساس راحتی دارند. با خاله خود نبود مادر را حس نمی کنند. اما شرایط برای خاله اینگونه مطلوب نیست .

به تدریج عدم رضایت خاله و رفتار سخت شوهرش فضای خانه را متشنج می کند. بچه ها گاهی از سر و صدا و عصبانیت های مادر جدید و پدرشان هراسناک می شوند .

زمان زیادی نمی گذرد که خاله با بدن کبود و در حالی که حالت تهوع شدید دارد به منزل دوستش مراجعه می کند. او قصد ندارد با خانواده اش ارتباط بگیرد، چون آنها را مسئول این ازدواج نامیمون می داند .

به دوستش می گوید که سه ماهه حامله است و برای چندمین بار به وسیله همسرش مورد شکنجه قرار گرفته است تا جنین را سقط کند.

الف) مطالعه این نوع خشونت ها چه کمکی به امر دفاع در این موارد و یا موارد مشابه خواهد کرد؟

ب) منافع کودکان و خاله آنها را چگونه در امر دفاع می توان مد نظر داشت و بی تفاوت نسبت به هر دو موضوع نبود؟

ج) برای جمع آوری و حفظ دلایل چه اقدامی صورت خواهید داد؟ چگونه از مقامات قضایی و پلیس در مرحله مقدماتی کمک می گیریم و اعتماد آنها را بدست می آوریم؟

د) دلایلی که در این مورد و یا موارد مشابه جمع آوری می شود چه تاثیر بر حفظ حقوق زن برای اقدامات حقوقی در پرونده غیر کیفری دارد؟

با خروج خانم از منزل دادخواست الزام به تمکین علیه همسر جوانش می دهد و از دادگاه می خواهد تا او را مجبور به بازگشت به خانه کند. در مقابل این دادخواست،

الف) چگونه از گزارش های پلیس و یا صورت جلسات قبلی برای ارائه دفاع بهتر استفاده می شود؟ آیا دادخواست متقابل مطالبه نفقه و مخارج بیمارستانی به دلیل حامگلی را موثر در تامین حقوق زن می دانید؟ راهبرد هایی که می تواند بهترین دفاع در مقابل خشونت باشد به شما امکان تقدیم دادخواست متقابل را خواهد داد، چگونه؟

ب) با توجه به اینکه برابر مقررات نفقه فرع بر تمکین است، و زن در این مورد تمکین عام و خاص ندارد، آیا استحقاق نفقه دارد، اگر پاسخ مثبت است، چه دلایلی باید فراهم کرد تا امکان دفاع در این باره فراهم باشد و امکان اثبات در دادگاه نیز قطعی و یا نزدیک به قطع باشد؟

ج) در مدیریت پرونده و بحران ناشی از خشونت نظیر این مورد سهم قوانین، مامورین پلیس و دستگاه قضایی و وکیل چگونه و به چه میزان از حیث اهمیت است؟

د) روش های عدالت ترمیمی، یا هریک از روش های میانجی گری در این نوع پرونده ها چگونه می تواند موثر در تامین عدالت برای زنان و کودکان باشد؟

اندیشیدن و فراهم آوردن پاسخ برای هریک از سوالات مطرح شده، طرح سوالات جدید و تلاش برای رسیدن به پاسخ آنها در پرونده مورد مطالعه، کمک بزرگی به آمادگی در دفاع از پرونده های خشونت خانگی خواهد کرد .

در خاتمه توصیه می شود، استفاده از دستاوردهای سایر علوم که در دفاع از پرونده های خشونت خانگی می توانند موثر و در پیشبرد بهتر امر دفاع یاورمان باشند، را نباید نادیده گرفت. دستاوردهای روانشناسی، جامعه شناسی، نظریات اخلاق عدم خشونت همگی در طرح مسیری برای دفاع بهتر و پایداری در رفع خشونت و استقرار عدالت موثر خواهند بود .

پی نوشت ها:

1. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 26 اسفندماه 1392.
2. G.B.V. Gender Based Violence.
3. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ پیشگیری از جرم، مقاله ارائه شده به همایش ملی پیشگیری از جرم قوه قضاییه؛ تهران، اسفند 1387، برای اطلاع بیشتر به اینجا مراجعه شود.
4. ماده 642 قانون مجازات اسلامی – تعزیرات، نپرداختن هزینه همسر دایمی با داشتن تمکن مالی جرم محسوب داشته است.
5. ماده 608 قانون مجازات اسلامی – تعزیرات؛ توهین، فحاشی و استعمال الفاظ رکیک را جرمی عمومی دانسته است، که می تواند از مصادیق خشونت خانگی و علیه اعضاء خانواده بکار رود.

6. اصل بیستم قانون اساسی مقرر داشته است: " همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند".
7. ماده 1041 قانون مدنی بیان می دارد: " عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن 13 سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن 15 سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح - مصوب 1379/9/27
8. جهانبگلو، رامین؛ دمکراسی در ایران، تورنتو، 1392 به نقل از نشریه سلام تورنتو.
9. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ پیشین.
10. ماده 630 قانون مجازات اسلامی - تعزیرات.
11. ماده 1179 قانون مدنی.
12. نیاز پور، امیر حسن، پژوهش نامه حقوق کیفری، شماره سوم، 1384، ص 132.
13. ماده 39 آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، اسفند 1334، حاوی سوگندنامه حرفه ای وکلای دادگستری.
14. برای اطلاع بیشتر به وب سایت اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری مراجعه شود.
15. رستمی غازانی، امید؛ نقش وکیل دادگستری در میانجیگری کیفری، مجله کانون وکلای دادگستری، شماره 13، 1388 ص 38 .